

کابوس جدید برای صنعت اروپا

صفحه ۰۸



ریسک‌های تجارت با اوراسیا



حکمرانی زمین‌محور یا دریامحور؟

پژمان جوزی
رئیس انجمن صنعت ساختمان

ایران با داشتن حدود ۵هزار کیلومتر مرز ساحلی، کم‌ترین استفاده از سواحلش را دارد. ۲۰درصد جمعیت جهان در ۲۵کیلومتری دریاها زندگی می‌کنند و ۴۰ درصد جمعیت جهان در فاصله ۱۰۰کیلومتری و ۶۰درصد کلان‌شهرها در سواحل دریاها یا نزدیکی سواحل مستقر هستند، همچنین هشت شهر از شهرهای پرجمعیت جهان (توکیو، شانگهای، بمبئی، نیویورک، جاکارتا، قاهره، ریودوژانیرو...) در کنار آنها هستند و نوار ساحلی اروپا ۲۰۵میلیون نفر جمعیت را به خود جذب کرده‌است، اما متأسفانه در ایران، استان‌های ساحلی در شمال و جنوب کشور با ۵هزار کیلومتر نوار ساحلی تنها ۳درصد جمعیت کشور را به خود جذب کرده، درحالی‌که باید بیش از هشت تا ۱۰درصد از جمعیت کشور آنجا سکونت داشته‌باشند. حکمرانی در ایران بر مبنای فعالیتهای زمین محور بوده و این امر با توجه به اقلیم کشور به ما آسیب زده و خواهد زد، بنابراین باید به سمت دریامحورشدن حرکت کنیم و از مرکز کشور به سمت کرانها و پس‌کرانها در شمال و به‌ویژه به سمت جنوب کشور حرکت کنیم. تاکید مقام‌عظم رهبری در آبان ماه ۱۴۰۲ بر اقتصاد دریامحور و ابلاغ سیاست‌های کلی آن نیز بر مبنای درک همین موضوع بوده‌است که کشوری همچون ایران باید از سمت فلات مرکزی ایران به سمت سواحل حرکت کرده و سرمایه‌گذاری در جنوب کشور و به‌ویژه جزایر جنوبی را گسترش دهد.

این واقعیت انکارناپذیری است که اقتصاد دریمحور یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه در جهان امروز است. بسیاری از کشورها با استفاده از ظرفیتهای گسترده دریاها و سواحل، توانستند مسیر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی خود را متحول کنند. ایران نیز با داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، سواحل طولانی در جنوب و شمال کشور و دسترسی به آب‌های آزاد، پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصاد دریمحور دارد. بررسی مزایا و آثار این نوع اقتصاد می‌تواند مسیر آینده توسعه کشور را روشن‌تر کند.

یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران که در تلاش است از آن رهایی یابد، وابستگی شدید به صادرات نفت و گاز است. توسعه اقتصاد دریمحور می‌تواند این وابستگی را کاهش دهد و زمینه تنوع اقتصادی را فراهم کند. فعالیتهایی مانند شیلات، پرورش آب‌زیان، حمل‌ونقل، صنایع کشتی‌سازی و استخراج منابع دریایی، به‌ویژه گردشگری و جاذبه‌های گردشگری موجود در سواحل و جزایر جنوبی ایران می‌توانند جایگزین‌های مناسبی برای درآمدهای نفتی باشند.

بخش دریمحور ظرفیت زیادی برای ایجاد شغل در حوزه‌های مختلف دارد. از سیادی و فراوری محصولات دریایی گرفته تا خدمات بندری، حمل‌ونقل بین‌المللی، گردشگری ساحلی و صنایع وابسته، فرصت‌های شغلی فراوانی در این حوزه وجود دارد. توسعه این فعالیت‌ها به‌ویژه می‌تواند موجب رونق اقتصادی در استان‌های ساحلی مانند هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان و ماندن‌زادان باشد.

اگرچه تحریم‌ها سبب مهمی به نقش ایران در اتصال کریدورهای جهانی زده است اما نمی‌توان انکار کرد که ایران در مسیر یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهانی قرار دارد. به‌سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری و دریایی، ایران می‌تواند نقش کلیدی‌تری در ترانزیت کالا بین شرق و غرب ایفا کند. بنادر استراتژیکی چون چابهار، بندرعباس و انزلی، در صورت توسعه و مدیریت کارآمد، می‌توانند به مراکز بزرگ تجاری منطقه تبدیل شوند و جایگاه ایران را در تجارت جهانی ارتقا دهند. در حال حاضر بنادر ایران بیش از ۵۰همت (۵۰ هزارمیلیارد تومان) سرمایه‌گذاری نیاز دارند تا به یک رشد قابل‌قبول برسند. اقتصاد دریمحور موجب آبادانی و رشد مناطق ساحلی می‌شود.ایجاد صنایع، بنادر، شهرک‌های صنعتی و مراکز گردشگری در سواحل، می‌تواند به بهبود سطح زندگی مردم محلی کمک کرده و از مهاجرت به شهرهای بزرگ جلوگیری کند.این مساله همچنین باعث توزیع متداول‌تر جمعیت و منابع در کشور خواهد شد.

توجه به گردشگری و تأسیس هتل‌های لوکس پنج‌ستاره اگرچه نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هتگفت دارد اما می‌تواند موجب اشتغال پایدار در مناطق جنوبی کشور شود، چراکه اشتغال ایجاد شده برای هتل‌ها با هدف ترکیبی (تجاری، مسکونی و هتل) اشتغال پایدار بوده و هر هتل با ظرفیت حدودی ۱۵۰نفر حدود ۵۰۰ شغل پایدار ایجاد می‌کند. بارها گفته و نوشته‌ام که مرز امن، مرز آباد است. توسعه اقتصادی در مناطق ساحلی علاوهبر منافع مالی، پیامدهای امنیتی مهمی نیز دارد. حضور فعال اقتصادی و انسانی در سواحل جنوبی و شمالی، موجب افزایش کنترل و حفاظت از مرزهای آبی می‌شود. این امر توان دفاعی و ژئواستراتژیک کشور را تقویت کرده و حضور ایران را در آب‌های بین‌المللی تثبیت می‌کند. بنابراین اقتصاد دریمحور به توجه به گسترش و رشد جمعیت در کناره سواحل به‌ویژه سواحل جنوبی و جزایر ایرانی، برای کشوری مانند ایران نه‌تنها یک فرصت، بلکه ضرورتی استراتژیک است.

استفاده از ظرفیتهای دریایی می‌تواند موجب تنوع اقتصادی، رفع نگرانی از بحران کم‌آبی و کم‌بارشی، افزایش اشتغال، توسعه مناطق محروم، ارتقای جایگاه بین‌المللی و تقویت امنیت ملی شود. تحقق این هدف نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی متخصص و همکاری میان بخش‌های دولتی و بخش خصوصی به‌ویژه توسعه‌گران است.

در صورت توجه جدی به این حوزه، اقتصاد دریمحور می‌تواند به یکی از موتورهای اصلی رشد پایدار ایران در آینده نچندان دور تبدیل شود.

نگاهی به شاکله اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری...

صفحه ۲

۹میلیارد دلار در مسیری بازده خودرو

ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های اقماری گردشگری...

صفحه ۴

تشکیک در آمار تورسم

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی...

صفحه ۶

ریسک‌های تجارت با اوراسیا



اما واگرهای

خصوصی سازی گمرک

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی...

صفحه ۶



دستگاه‌های اجرایی

و نهادهای دولتی

باید در این زمینه

پیشگام باشند.

کاهش مصرف آب

در فضای سبز و

حذف چمن‌های

غیر ضروری یکی

از گام‌های موثر در

مدیریت منابع آبی

شهر است.

روزنامه سراسری اقتصادی ، اجتماعی

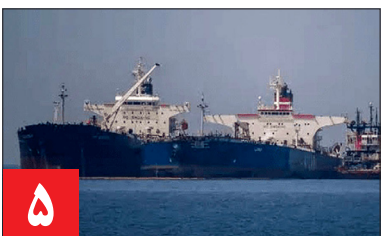
چهارشنبه ۰۵ آذر ۱۴۰۴

۰۵ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵

شماره ۸۰۹

۸۰۰۰ تومان

نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



بازارهای تازه برای نفت ایران



به وقت انتقام

سال ۲۰۱۵ با محوریت روسیه و عضویت کشورهای بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان، فرصت تازه‌ای برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری ایران فراهم آورد؛ به‌ویژه در شرایطی که کشور با تحریم‌های گسترده آمریکا و محدودیتهای شدید در مبادلات مالی و بانکی روبه‌رو بود.

توافق‌نامه تجارت ترجیحی میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تاریخ ۵ آبان ۱۳۹۸ (۲۷ اکتبر ۲۰۱۹) اجرایی شد. اجرای این توافق‌نامه، هم‌زمان با تنلوم سیاست فشار حداکثری ایالات متحده پس از خروج دولت ترامپ از برجام (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) و در میانه شرایط رکودی ناشی از تحریم‌های مالی و انرژی بود. بنابراین، آغاز همکاری اقتصادی ایران با اتحادیه اوراسیا را باید نه صرفاً یک تصمیم تجاری، بلکه نوعی گزینه استراتژیک برای کاهش فشارهای ژئواقتصادی غرب دانست.

با وجود این، مسیر توسعه همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از همان ابتدا با موانع و چالش‌های پیچیدهای مواجه شد. تحریم‌های بانکی و مالی، همه‌گیری ویروس کرونا (۲۰۲۰/۰۳/۲۰) و محدودیتهای لجستیکی در تبادلات تجاری در عمل ظرفیت‌بالقوه این توافق را محدود کردند. در چنین شرایطی، تصمیم برای تبدیل توافق‌نامه تجارت ترجیحی به تجارت آزاد از تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ (مه ۲۰۲۵) به‌منزله مرحله‌ای جدید در روابط اقتصادی ایران و اعضای این اتحادیه پیش می‌شود.

بااین‌حال، این تغییر هم‌زمان شده است با بازگشت فضای تنش و تحریم‌های فراگیر بین‌المللی علیه ایران؛ مسأله‌ای که خود، پیامدهای ژرفی بر آینده همکاری‌های اقتصادی کشور با منطقه اوراسیا خواهد داشت. توسعه روابط اقتصادی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نه در خلأ، بلکه در بستر پیچیدگی‌ای از فشارهای بین‌المللی، تحریم‌ها و تحولات ژئوپلیتیک شکل گرفته است. این محیط، هم فرصت‌ها و هم محدودیتهای عملیاتی برای تعاملات تجاری ایران فراهم می‌آورد و تحلیل دقیق آن برای طراحی سیاست‌های اقتصادی و تجاری موثر ضروری است.جنگ اوکراین از سال ۲۰۲۲، ابعاد جدیدی به روابط ایران و اتحادیه اوراسیا اضافه کرده است. تحریم روسیه و اختلال در تجارت انرژی و کالاهای استراتژیک، هم فرصت‌ها و هم تهدیدها را تغییر داده است. با این‌وجود نباید فراموش کرد که پایان این جنگ به‌منزله تغییر دوباره معادلات پیش روی ایران خواهد بود. ارزیابی انتقادی اتاق بازرگانی ایران حکایت از آن دارد که نگاه ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید واقع‌بینانه و مبتنی بر ظرفیتهای واقعی باشد. همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمی‌تواند جایگزین روابط ایران با غرب شود و تنها مکمل آن است. علاوه بر این، پرهیز از اغراق و بزرگمایی ظرفیته‌ها، شرط لازم برای طراحی سیاست‌های موثر تجاری و اقتصادی است و توازن واردات و صادرات، ابزار کلیدی برای موفقیت در بازارهای اوراسیا محسوب می‌شود.

موانع ساختاری و نهادی
تحلیل همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد که موانع ساختاری و نهادی بیش از محدودیتهای سیاسی، عامل اصلی کندی و ناکارآمدی تعاملات اقتصادی هستند. چالش‌های بانکی، مالی، لجستیکی و تجاری با به پای تحریم مانع بهبود روابط تجاری ایران و اوراسیا شده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، ناترازی در سیستم مالی و بانکی میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه است. معاملات عمده تجاری ایران با روسیه، ارمنستان و قزاقستان غالباً در قالب تهاتر و مبادلات روبل-ریال انجام می‌شود، اما نبود سیستم یکپارچه و شفاف برای تبدیل ارز و تسویه حساب‌ها، اختلاف نرخ‌های رسمی و واقعی تبدیل روبل به ریال و محدودیت دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی بانکی (SWIFT) باعث شده صادرکنندگان ایرانی متحمل زیان و دشواری‌های زیادی شوند و حجم واقعی تجارت محدود شود.

بر خلاف تصور برخی، زیرساخت‌های لجستیکی در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا برای تجارت ایران محدود است. این محدودیت‌ها شامل کمبود سرخانه و انبار برای نگهداری کالاهای صادراتی، فقدان شبکه‌های توزیع خردفروشی برای حضور مستقیم ایرانیان در بازارها و کمبود تسهیلات باندا‌ن‌از و مراکز پشتیبانی برای صادرکنندگان ایرانی است؛ تجربه میدانی نشان می‌دهد که صادرکنندگان محصولات غذایی، به‌ویژه میوه و لبنیات، با ریسک فاسد شدن کالا و ضرر مالی مواجه هستند.

چالش دیگر، ضعف هماهنگی میان سیاست‌های واردات و صادرات است. تجربه نشان می‌دهد که نگرش‌های تنگ‌نظرانه نسبت به واردات، مستقیماً بر توان صادرات اثر می‌گذارد؛ به عنوان مثال جلوگیری از واردات محدود کالاهای مصرفی از ارمنستان به ایران، باعث شد که طرف ارمنی در مقابل صادرات ایران مقاومت کند. توجه به این نکته ضروری به‌منظر می‌رسد که واردات و صادرات دوروی یک سکه هستند و محدودیت غیرضروری در واردات، صادرات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، نبود سیاست‌های حمایتی مستمر برای صادرکنندگان و کمبود مکانیسم‌های پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه، مانع حضور موثر ایران در بازارهای خردفروشی و شبکه‌های توزیع اتحادیه شده است.

▼ طرح گازسوزی خودروها در آزمون استقبال عمومی
 شرکت ملی بخش فرآورده‌های نفتی ایران در اطلاعیهای از آغاز طرح تبدیل رایگان خودروهای شخصی مدل ۹۴ و بالاتر خبر داد؛ یعنی خودروهایی با ۱۰ سال کارکرد حالا می‌توانند به‌طور رایگان گازسوز شوند. خودروهایی که حالا گام‌به‌گام به فرسودگی نزدیکتر می‌شوند. بنظر می‌رسد که دولت در اجرای طرح‌های تشویقی برای گازسوزکردن خودرو یک گام جلوتر رفته‌است. اول شهریور ماه امسال مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از آغاز ثبت‌نام تبدیل رایگان خودروهای شخصی نزنین‌سوز به دوگانه‌سوز با مدل ۹۷ و بالا خبر داده بود. اما در طرح جدید خودروهای بالای مدل ۹۴ در نظر گرفته‌شدند که خودروهای بیشتری را شامل می‌شود. در این مورد می‌توان دو سناریو را مطرح کرد؛ یا طرح قبلی موفق بوده و دولت حالا می‌خواهد محصولات بیشتری را گازسوز کند و یا استقبال کافی از طرح قبلی انجام‌نشده و حالا سیاستگذار سعی کرده با بزرگ‌ترکردن بازه شمول طرح، خودروهای بیشتری را جذب کند. تحلیل روندها نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیشتر است. برای قضاوت بهتر در این موضوع بهتر است معایب و مزایای دوگانه سوزکردن را برای صاحبان این خودروها بررسی کنیم تا ببینیم آیا گازسوزکردن رایگان خودروها انگیزه کافی را برای صاحبان آنها ایجاد می‌کند یا خیر.
 در نگاه اول بزرگ‌ترین مزیتی که برای آنها می‌توان متصور شد استفاده از سوخت ارزان‌تر است. هر مترمکعب گاز CNG اکنون به قیمت ۵۷۰تومان فروخته می‌شود، قیمت بنزین سهمیه‌ای نیز به هزار و ۵۰۰تومان و بنزین غیرسهمیه‌ای به سه‌هزار تومان می‌رسد. گرچه از نظر درصد اختلاف، شکاف قابل‌توجهی دیده می‌شود اما در نهایت اختلاف قیمت آنها به هر لیتر هزار یا دوهزار و ۴۰۰تومان (سهمیه آزاد) می‌رسد که اساس هزینه قابل‌توجهی به‌نظر نمی‌رسد، در واقع قیمت بنزین در ایران به دلیل یارانه سنگینی که به آن تعلق می‌گیرد، بسیار پایین است و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای گازسوزکردن خودرو و آسیب به آن از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند.بنابراین تفاوت قیمت بین بنزین و گاز وجود دارد اما به‌قدری نیست که انگیزه زیادی برای افراد در راستای گازسوزکردن خودروی خود بدهد. اما در گازسوزکردن خودرو، مهم‌ترین ایرادی که بسیاری از مالکان تجربه کرده‌اند، کاهش فضای مفید خودرو است. نصب کپسول گاز در صندوق عقب، به‌ویژه در خودروهای سوزی کوچک‌تر بخش قابل‌توجهی از فضای بار را اشغال می‌کند. برای خانواده‌هایی که از خودرو در سفرهای جادلی استفاده می‌کنند، این موضوع یک مشکل جدی است و عملاً بخشی از کارکرد اصلی خودرو را از بین می‌برد. از سوی دیگر، سیستم دوگانه‌سوز معمولاً باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتورهای که برای مصرف بنزین طراحی شده‌اند، هنگام استفاده از گاز طبیعی دچار کاهش شتاب و کشش می‌شوند. برخی رانندگان حتی پس از مدتی استفاده، ترجیح می‌دهند مجدداً از بنزین استفاده کنند، چون عملکرد خودرو با گاز رضایت‌بخش نیست.
 محدودیت بعدی، کمبود ایستگاه‌های CNG در سطح شهرها و جاده‌است. با وجود گذشت بیش از دو دهه‌ا از آغاز طرح گازسوزی در ایران، هنوز زیرساخت سوخت‌رسانی متناسب با رشد تعداد خودروهای گازسوز توسعه نیافته‌است. در بسیاری از شهرها، تعداد ایستگاه‌ها انگشت‌شمار است و صف‌های طولانی به‌ویژه در ساعات اوج تردد دیده می‌شود. همین مشکل موجب می‌شود رانندگان برای پرکردن کپسول وقت زیادی را صرف کنند، درحالی‌که بنزین تقریباً در هر نقطه‌ای ی‌راحتی در دسترس است. با در نظر گرفتن مجموع این عوامل می‌توان گفت که تفاوت قیمت چندان کار کردی برای رشد انگیزه افراد برای گازسوزکردن خودرو ندارد.

▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد
 پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات متفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخش‌نامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات متفصله مربوط به فصل ۹۸ با اخذ تعهدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده: واردکنندگان ارزش قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسوولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند. تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود؛ ترخیص قطعات متفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.



۹ میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

مریم لطفی –به گفته یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، صنعت خودروی ایران سالانه حدود ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد؛ به این معنا که ارزش وار دات خودرو و قطعات چندین برابر صادرات آن است. این مقام تأکید می‌کند: ادامه چنین وضعیتی برای اقتصاد کشور ممکن نیست، چرا که صنعت خودرو به جای آنکه موتور ارزآوری و رشد تولید باشد، به یکی از بزرگ‌ترین کانال‌های خروج ارز از کشور تبدیل شده‌است.

نگاهی به شالکه اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری، ضعف قطع‌مسازان داخلی و محدودیت صادراتی، این صنعت را به یکی از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها در برابر نوسانات ارزی و تحریجه‌ا تبدیل کرده‌است، به گونه‌ای که صنعت خودرو طی دو دهه اخیر بیشترین ارزبری را داشته و ارزآوری اندکی ایجاد کرده‌است، موضوعی که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بر آن تأکید دارد. اما اینکه عنوان می‌شود صنعت خودروی ایران سالانه ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد، به چه معناست؟

تراز تجاری منفی در این حوزه یعنی اینکه ارزش واردات (اعم از خودروی کامل، قطعات، مواد اولیه و تجهیزات تولید) بسیار بیشتر از ارزش صادرات خودرو و قطعات ایرانی است. به زبان ساده، کشور هر سال حدود ۹میلیارد دلار ارز از دست می‌دهد تا نیازهای صنعت خودرو را از خارج تأمین کند، درحالی‌که صادرات این صنعت درآمد قابل‌توجهی را برنمی‌گرداند. این شرایط ادامه می‌دهیم؟ چیست؟ اما به‌صورت تلویحی می‌توان از گفتگوی این‌گونه برداشت کرد که با ادامه وضعیت کنونی شاهد تشدید ناپایداری ارزی و اقتصادی صنعت خودرو، خروج منابع ارزی و وابستگی خارجی خواهیم بود و صنعت خودرو به‌جای مولد بودن، به یک مصرف‌کننده بزرگ ارز تبدیل می‌شود. پیش‌تر هم بازوی پژوهشی مجلس با تأکید بر اینکه صنعت خودروی ایران نقشه‌ا رازآوری ندارد، بلکه به‌دلیل مصرف بالای ارز به بحران تراز ارزی کشی دامن زده است، به این موضوع پرداخته بود.

با استناد به داده‌ای این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، پشم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود. این صنعت، به‌جای مولد بودن ارز، به دلیل وابستگی ساختاری شدید به واردات واسطه‌ای (با سهم ۲۲٫۲درصد از تقاضای داخلی)، یک کسری ارزی سالانه به همراه دارد. آمار نشان می‌دهد که سهم صادرات از کل تقاضای داخلی تنها ۰٫۹درصد است که گویای عدم‌توانی در رقابت در بازارهای جهانی است. در نتیجه خالص ارزآوری این صنعت منفی ۲۲٫۳درصد برآورد شده، به این معنی که هزینه‌های ارزی آن به‌مراتب از درآمد‌های ارزشی بیشتر است. در نتیجه کارشناسان متفقدن تخصیص منابع به این بخش باید صرفاً بر اساس شاخص «تراز ارزی» باشد، نه معیارهای دیگر مانند اشتغال. با توجه به هشدار اخیر درباره تراز تجاری منفی در صنعت خودروی ایران، دو سوال اساسی

شرکت خودروسازی چینی FAW با عرضه خودروی هیبرید برقی



خودروی هیبریدی چینی رکورد گینس را شکست

۴دهه مدیریت ۲ پاره در «تهران بزرگ» یا همان مجموعه شهری تهران، سریال «بحران‌های زیستی در پایتخت» را وارد قسمت «دعای عیان دولت و شهرداری» کرده، دولت بر سر «زمین‌های حریم شهر تهران» است به‌طوری‌که هر دو برای «تصاحب اختیار تعیین‌کاری اراضی حریم» به قانون استناد می‌کنند اما دو قانون متضاد از هم، در نتیجه هیچ‌کدام تا الان نتوانسته دیگری را از زمین خارج کند.

هفته گذشته دعوی پنهانی مزمن بین استانداری تهران و شهرداری تهران برای کنترل فرمان «حریم شهر تهران» با دو مصاحبه مقامات ارشد این دو نهاد، یکی در تلویزیون و دیگری در صحن شورای شهر، «عمومی» شد و بالا گرفت. همزمان، معاون شهرسازی و معماری شهردار هم تغییر کرد و این اتفاق که می‌تواند «اصل ماجرای دولت دولت و شهرداری» را منحرف کند، توسط برخی ناظران در قالب «پایان اختلافات» القا شد، در حالی‌که ریشه این اختلاف به «قدرت سیاسی نهفته در ارزش اقتصادی زمین‌های حریم» و البته «تضاد آشکار روح دو قانون مرتبط با حریم» برمی‌گردد که اگر خشک نشوند، طرفین دعوا برای مدتی «آتش‌بس» می‌کنند و دوباره «شروع»

«**حریم**» **شهر تهران کجاست؟**

شهر تهران با همان محدوده‌حای ۲۲مناطقه شهری، حدود ۶۰۰کیلومتر مساحت دارد و هر آنچه در اطراف پایتخت (همین شهر) به وسعت حدود ۱۰برابر شهر تهران، به شکل «تعدادی شهرستان یا دربرگیری حداقل ۱۰ شهر و ۲۰ روستا» قرار گرفته، «حریم تهران» محسوب می‌شود. حریم تهران در حال حاضر نزدیک به ۵۹۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد، در حالی‌که مساحت کل استان تهران ۱۳هزار و ۸۰۰کیلومترمربع است و در کل، ۱۶ شهرستان و بدون‌شمار شهر تهران، ۴۸ شهر و ۷۳ روستا در این استان جای گرفته‌اند که حداقل ۳۰ شهر از آنها در حریم شهر تهران است. مقایسه ارقام مساحت «حریم تهران» و «استان تهران» در کنار تعداد زیادی شهر در استان، نشان می‌دهد: همپوشانی گسترده و در عین حال «پیچیده» فیزیکی بین یکسری شهرهای واقع در اطراف شهر تهران و حریم شهر تهران وجود دارد و این یعنی «تداخل در حوزه عمل شهرداری‌ها».

اختیار «حریم» تهران یا کیست؟

شهرداری تهران و استانداری تهران در جریان دعوایی که بالا گرفته‌است، مدام به قانون استناد می‌کنند، اما چون هرکدامشان، فقط از موضع سمت خود قانون را می‌بینند، صحبتی از «۲ قانون خنثی‌کننده یکدیگر» نکرده‌اند، در نتیجه برای خیلی از ناظران این دعوا، از جمله شهروندان ساکن تهران یا ساکنان حومه شهر تهران، عاملان تخلف یا عبور از قانون، مشخص و شفاف نیست. بررسی‌های «دنیایاقتصاد» در این‌باره نشان می‌دهد، برای حریم شهر تهران، دو قانون وجود دارد. قانون قدیمی‌تر که تحت‌عنوان «قانون تعاریف و تقسیمات کشوری» مصوب سال ۶۲ است، می‌گوید: هر زمان جمعیت روستاهای واقع در حریم شهر تهران و داخل استانداری تهران به ۲۵۰۰تفر رسید، دولت (وزارت کشور و استانداری) می‌تواند در آنجا شهر تأسیس کند. طی ۴دهه اخیر، دولت با استناد به همین قانون، تعداد شهرهای واقع در حریم تهران را به سطح فعلی ۴هزار رسانده‌است. البته در این مدت، دولت (وزارت کشور و درخواست وزارت مسکن) یکسری شهرهای جدید نیز در حریم پایتخت تأسیس کرد و در جریان بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی در همه آنها، تقریباً مستقل از «ثار احتمالی گسترش اطراف تهران برای ظرفیتهای زیست‌محیطی تهران» عمل کرد



با استناد به داده‌های این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، بوغم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود.

تولید ناخالص داخلی (GDP) دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت فعالیت خودروسازان با ظرفیت

کامل، این صنعت می‌تواند بین سه تا پنج‌رصد ارزش‌افزوده در اقتصاد کشور ایجاد کند. از همین‌رو، هر تحول ساختاری یا عملیاتی در صنعت خودرو، به‌طور مستقیم بر سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان اثرگذار خواهد بود.

با این‌حال، تداوم زیان انباشته سنگین خودروسازان، نشانه‌ای از اختلال عمیق در نظام اقتصادی و سیاستگذاری این صنعت است. بخش عمده این زیان‌ها، در واقع منابعی است که بواسطه نظام قیمت‌گذاری دستوری از شرکت‌ها به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل شده‌است. دولت طی سال‌های اخیر با اصرار بر فروش خودرو با قیمت‌های مصوب، خودروسازان را ناچار کرده تا تولید را با زیان ادامه دهند. برآوردها نشان می‌دهد زیان انباشته حدود ۳۰۰هزار میلیارد تومانی خودروسازان معادل نزدیک به ستمیلیارد دلار است؛ رقمی که بیانگر حجم بالای منابعی است که در سایه سیاست‌های دستوری فرصت‌های طلایی برای حضور در بازارهای منطقه‌ای نیز به دلیل محدودیت‌های ناشی از روابط بین‌المللی از دست رفته است. علاوه‌بر بُعد مالی، موانع در عرصه سیاست خارجی مانع از دسترسی صنعت خودرو به فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی شده‌است؛ عاملی که به‌صورت مستقیم موجب عقب‌ماندگی فنی، کاهش نوآوری و افت توان رقابتی این صنعت در مقیاس جهانی شده‌است.

فاصله زیاد صنعت خودرو با تراز تجاری مثبت

در سال‌های گذشته، صادرات خودروهای ایرانی هرچند محدود، عمدتاً به کشورهایی مانند سوریه و عراق صورت می‌گرفت، با این‌حال نمی‌توان انتظار داشت که محصولات تولیدی کشور با خودروسازان پیشرو جهانی رقابت کنند. ساختار دولتی حاکم بر صنعت خودروی ایران موجب شده‌است که مدیران منصوب در این بخش از رانتهای دولتی بهره‌مند شوند و این امر مانع تحقق کامل توان رقابتی این صنعت شده‌است. منطقی است که از صنعتی که فاقد قدرت رقابتی است، انتظار موفقیت در حوزه صادرات نرود. از قضا آمارهای صادراتی نیز گویای همین نکته است.

با این‌حال، هم‌اکنون فرآیند خصوصی‌سازی یکی از خودروسازان بزرگ کشور آغاز شده‌است و در صورتی‌که این مسیر به درستی دنبال شود و شرکت مذکور توان رقابتی خود را ارتقا دهد، در بلندمدت امکان صادرات محصولاتش فراهم خواهد شد و با تولید محصولات رقابتی می‌توان انتظار این روند را داشت. در حال حاضر شاهد تراز تجاری منفی در این صنعت هستیم؛ به‌طوری‌که فاصله میان وضعیت فعلی واردات و صادرات و دستیابی به تراز تجاری مثبت در این صنعت همچنان بسیار زیاد است و به اعتقاد من تحقق آن نیازمند تقویت بنیادین بخش خصوصی است. علاوه بر این، اجرای استانداردهای بین‌المللی و انطباق با الزامات آلاینده‌ی، مانند استاندارد یورو۶، همچنان با چالش‌ها و تردیده‌های جدی مواجه است. پیامد این تأخیرها و عدم‌قطعیت‌ها می‌توان در زیان انباشته بالای صنعت مشاهده کرد که طی سالیان گذشته به‌وضوح نمایان شده‌است.

منظور از «تراز تجاری منفی» چیست؟

به اعتقاد من ابتدا لازم است روشن کنیم منظور از «تراز تجاری منفی» در صنعت خودرو چیست. در صنعت خودرو، دو نوع واردات اصلی وجود دارد: واردات رسمی خودروهای کامل خارجی و دوم واردات قطعات خودرو که تولید آنها در کشور یا اقتصادی نیست یا از نظر فناوری و کیفیت با نمونه‌های خارجی قابل‌رقابت نیست. واردات خودروهای کامل اساساً از فعالیت تولیدی خودروسازان داخلی جداسـت؛ این خودروها صرفاً خریداری می‌شوند و برای آنها سهمیه ارزی مشخصی دریافت می‌شود که معمولاً از محل ارز مبادله‌ای است. هدف واردکننده هم صادرات نیست، بنابراین محاسبه تراز تجاری صادرات-واردات برای این بخش عملاً معنا ندارد.

اما اگر تنها واردات قطعات داخلی مدنظر باشد، بحث تراز تجاری به مفهوم کلاسیک اقتصادی مطرح نیست؛ این کالاها در فرآیند تولید داخل مصرف می‌شوند و هدف صادراتی آنها تعریف نشده‌است. در صورتی‌که منظور از «تراز منفی» صادرات مجدد خودرو باشد – مانند عملکرد برخی کشورها مانند گرجستان یا دبی که خودرو را وارد و با ارزش‌افزوده صادر می‌کنند – آنگاه می‌توان چنین تحلیلی داشت، اما بدون محاسبات دقیق نمی‌توان ادعا را رد یا تأیید کرد و بررسی کارشناسی بیشتری لازم است. سوال مهم این است که! آیا می‌توان بدون صنعت خودرو زندگی اقتصادی پایداری داشت؟ پاسخ روشن است: خیر. کشور به تولید خودرو نیاز دارد. ما نه توان واردات بیش از یکمیلیون خودرو در سال را داریم و نه منابع ارزی لازم برای آن فراهم است، بنابراین صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی مادر و پیشران اقتصاد، نقشی انکارناپذیر دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، هرچند نیازمند اصلاحات ساختاری و عمیق است.

صنعت خودروی ایران دارای سابقه، ریشار و به شبکه گسترده‌ای از صنایع قطع‌سازی وابسته است و باید مورد حمایت و بازآفرینی قرار گیرد، اما هدفگذاری برای صادرات در کوتاه‌مدت واقع‌بانه نیست. با اصلاحات اساسی در ساختار صنعتی، مدیریتی و فناوری، می‌توان در یک بازه ۱۰ساله به صادرات پایدار دست یافت. امروزه در برخی حوزه‌ها توان تولید داخلی وجود دارد، اما واردات از کشورهای مانند چین همچنان مقررمنصرف‌تر است و در قطعات پیچیده وابستگی منابع به کشورهای دیگر، صنعتی بالادستی و ارتقای فناوری، می‌توان این وابستگی را کاهش داد و تولید کامل خودرو در داخل و کنترل ارزبری صنعت خودرو را ممکن ساخت.

 شرکت خودروسازی چینی FAW با عرضه خودروی هیبرید برقی بدون توقف ثبت کرده‌است.	 این خودرو در ۳۰ اکتبر سفری ۱۴۴۵ مایلی را از: «شانگهای» آغاز کرد و در ۳ نوامبر به گوانگژو رسید و در مسیر خود از شهرهای کانمینگ، بایس و ووژو عبور کرد. رکورد جدید نشان‌دهنده پیشرفت سریع مهندسی FAW و تعهد این شرکت به توسعه خودروهای هیبریدی را بر د طولانی برای بازار جهانی است. Hongqi HS با پشتسر گذاشتن رکوردداران پیشین مانند Fulun T۱۰ از شرکت چری، استاندارد جدیدی در قدرت تحمل و کارآمدی خودروهای SUV هیبریدی ایجاد کرده‌است.این خودرو مجهز به موتور توربوشارژ ۱٫۵ لیتری است که ۱۴۸ اسبگیر قدرت و ۱۶۶ پوند بر فوت گشتاور تولید می‌کند، درحالی‌که بهروری حرارتی آن ۴۵.۲۱درصد می‌سد.
 خریداران می‌توانند بین تنظیمات ۲ و ۴ چرخ متحرک انتخاب کنند. حداکثر سرعت خودرو ۱۲۷ مایل بر ساعت است و بازده کل سیستم به ۲۲۵ اسببخار برای نسخه دوچرخ و ۴۹۵ اسب بخار برای نسخه چهارچرخ می‌رسد.	

دوئل ملکی دولت و شهرداری

«محفوظ نگه‌داشتن» آن جهت توسعه آتی پایتخت، باقی نمانده‌است. همین وضعیت از سمت شرق محدوده شهر تهران نیز صادق است و در جنوب خط محدوده تهران، یعنی اتوبان آزادگان نیز «حریم پایتخت» در اختیار شهرستان‌های پاکدشت، اسلامشهر و قنس قرار دارد که درست تا مجاورت اتوبان آزادگان، حوزه استغفالی شهرداری‌های این شهرستان‌ها قرار دارد و در عین حال، حریم تهران هم محسوب می‌شوند.

این تعارض باعث‌شده از یکسو، شهرداری تهران مدعی آن است که نباید در اطراف محدوده جنوبی شهر تهران، ساختمان با فعالیت ترفاهی شکل بگیرد اما از سوی دیگر، مدیران شهرستان‌های مجاور و مالکان زمین‌های آنجا، در حال صدور مجوزها و بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی هستند. در این میان، «ارزش اقتصادی زمین‌های واقع در حریم پایتخت» که ناشی از «تردیکی به مرکز» است، اشتها بری رخ و ادعاهای صنعتی در حریم و مالکان برای «تعیین یا تغییر کاربری» زمین‌های حریم تهران را سبب شده‌است؛ روندی که در سال‌های اخیر چون برای شهرداری‌های حریم منابع مالی قابل‌توجه حاصل از صدور مجوز برای این اراضی را به‌همراه داشت، عاملی برای «شتاب بارگذاری» روی اراضی ذخیره توسعه آتی پایتخت شد. در این‌میان، طرف مقابل یعنی شهرداری تهران که با استناد به قانون دهه ۸۰، خود را «متولی» نظارت بر ساختوسازهای حریم شهر تهران می‌داند نیز به‌نوعی، خود را «دیفن» منابع مالی حاصل از صدور پروانه و تغییر کاربری در این اراضی نیز می‌داند. نتیجه آن شده که دعوی دولت و شهرداری اکنون بالا گرفته و کار به دولت رسیده‌است. استانداری تهران، پروانه‌ای که شهرداری برای حریم صادر کرده را ابطال کرده و شهرداری هم اجازه «ساختوساز جدید» در حریم تهران یا همان «محدوده شهرهای حومه تهران» را نمی‌دهد.

گروه مسکن و شهری روزنامه «دنیایاقتصاد» در جریان تحقیق و بررسی درباره «زیرپوست» این دعوا، علاوه‌بر اینکه به ریشه‌های این اختلاف رسید، به یک طرح «حل اختلاف» هم دسترسی پیدا کرده‌است که برای اواخر دهه ۹۰ است؛ مقطعی که همسویی سیاسی و فکری بین دولت و شهرداری برقرار بود و همین «عدم اختلاف‌نظر» باعث‌شده بود شهرداری تهران و استانداری تهران، برای «تعیین‌تکلیف» دو زمین حریم شهر تهران را هدف «تنظیم جریان بارگذاری آتی روی اراضی حریم پایتخت» در قالب یک طرح، به دو راهکار برسند. در آن طرح، دو پیشنهاد مطرح شد: اولین راهکار این است که هیچ‌کدام از شهرداری‌های شهرهای واقع در حریم شهر تهران، «حریم نداشته باشند» و فقط محدوده در اختیار هر شهرداری باشد و مدیریت حریم پایتخت توسط یک نهاد مشترک (با استانداری) با محوریت شهرداری تهران، انجام شود.

راهکار دوم نیز «حریم‌شاعی» برای شهرهای اطراف تهران و شهر تهران درنظر گرفته‌است؛ به این‌معنا که زمین‌های موجود واقع در حریم تهران که از محدوده شهرستان‌های اطراف تهران خارج است، در قالب «حریم‌شاعی» باشد. «نظارت و کنترل» بر آن با استانداری باشد. تحقیقات «دنیایاقتصاد» حاکی است، با توجه به اینکه سطح دعوا در هفته گذشته، بالا گرفت، قرار است شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور بزودی یکی از این دو راهکار را تصویب کنداز آنجا که مرجع تصمیم‌گیری برای «آینده توسعه فیزیکی شهرهای ایران» شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور است که در قالب تدوین یا بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، این تصمیم‌گیری را انجام می‌دهد، شاید بتواند «اختلافاتی که به واسطه وجود ۲ قانون متضاد» بین استانداری تهران (زیرمجموعه وزارت کشور) و شهرداری تهران بوجود آمده را حل و فصل کند.

روزنامه‌های اقتصاد

چهارشنبه‌اخر ۱۴۰۴ه‍.شماره۸۰۹
www.marzeghtesad.ir

♥کارنامه متناقض دولت‌های ترامپ

دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود با کاهش مالیات شرکتی و مقررات‌زدایی، منجر به رشد ۶۷ درصدی شاخص S&P ۵۰۰ شد و یکی از بهترین عملکردهای تاریخی را ثبت کرد.اما در ۱۰۰ روز اول دوره دوم، سیاست‌های تعرفه‌ای ۶۰ درصدی بر چین و تنش‌های تجاری، شاخص را ۷۹٫۹درصد پایین کشیدند، بدترین شروع یک رئیس‌جمهور در ۸۰ سال اخیر. هر چهار سال یک بار با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گمانه‌زنی‌هایی درباره برنده انتخابات وجود دارد و تصمیمات فعالان بازار سرمایه در کوتاصمدت تا حدی تحت‌تاثیر این رویداد قرار می‌گیرد. با این وجود تاریخ نشان می‌دهد که انتخابات ایالات متحده در بلندمدت، تقریباً بر بازار سهام بی‌تاثیر است.طبق گزارش بلومبرگ، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بازار تحت هر دو دولت دموکرات و جمهوری‌خواه بازدههای خوبی داشته است،اگرچه تحقیقات CFRA نشان داد که از نظر بازده مطلق، عملکرد بازار تحت دولت‌های دموکرات بهتر بوده است.

بازار سهام در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ با رشد قابل‌توجهی همراه بود،اما در دوره دوم ریاست جمهوری او شاخص‌ها با نوسانات بیشتری همراه بوده‌اند. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که از ژانویه سال ۲۰۱۷ آغاز شد تا ژانویه سال ۲۰۲۱ ادامه داشت، شاخص S&P ۵۰۰ در مجموع ۶۷٫۳درصد رشد کرد. در چهار سال بعدی که دولت ایالات متحده توسط دموکرات‌ها اداره می‌شد و بایدن ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را به عهده داشت، این شاخص ۵۸درصد رشد کرد. البته در دوره بایدن بازار سهام با نوساناتی همراه بود؛ نوساناتی مانند رشد ۴۶درصدی در سال ۲۰۲۱ با افت ۲۰درصدی در سال ۲۰۲۲.از زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری ترامپ در اولین ماه سال میلادی جاری، شاخص با نوسانات بسیاری همراه بوده است.این شاخص از ابتدای دور دوم ریاست جمهوری ترامپ تا ۲۰ اکتبر، ۱۵۸درصد رشد داشته است.

دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ دوره اول ترامپ با یک بازار صعودی (bull market) قوی شروع شد. کاهش شاخص شرکت‌ها از ۱۴درصد به ۲۱درصد در سال ۲۰۱۷ و مقررات‌زدایی (deregulation) بانکی، دو عامل اصلی بودند که به افزایش شدید بازدهی و رشد شاخص‌های بازار سرمایه در آمریکا انجامیدند. سیاست‌های ترامپ اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۷۲۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ و ۲هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷٫۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴٫۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند.رشد بالای شاخص‌های بازار را افزایش S&P ۵۰۰ و DJIA، تأثیر مثبت سیاست‌های حمایت‌گرایانه از کسب‌وکارها را نشان می‌دهد؛اما تأثیر سیاست‌های دولت قبلی و شوک کووید نیز قابل انکار نیست.

S&P ۵۰۰ زیر فشار تعرفه‌ها با توجه به سیاست‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی دولت دوره اول ترامپ و رشد چشم‌گیر شاخص‌های مهم یورپی، دوره دوم ریاست جمهوری او با انتظارات بالایی آغاز شد.اما در واقعیت و از زمان انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در نوامبر سال ۲۰۲۴ تاکنون، بازار سرمایه آمریکا نوسانات زیادی را پشت سر گذاشته است. شاخص S&P ۵۰۰ از نوامبر ۲۰۲۴ تا ژانویه ۲۰۲۵ با رشد ۳۶۶درصدی همراه شد.

پس از آن سیاست‌های حفاظت‌گرایانه مانند تعرفه‌های سنگین بر واردات و تنش‌های آمریکا با متحدان تجاری خود منجر به نوسانات شدید در ماه آوریل شد. ۱۰۰ روز ابتدایی دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ با افت ۷۹٫۹درصدی این شاخص همراه بود تا بدترین ۱۰۰ روز اول ریاست جمهوری یک رئیس‌جمهور برای بازار سهام در ۸۰ سال اخیر به‌نام دونالد ترامپ ثبت شود. در این صورت، حدود ۳۶۶تریلیون دلار از ارزش کل S&P ۵۰۰ کاسته شد. اعلام تعرفه‌های گسترده اقدامات تلافی‌جویانه چین و کاهش GDP از جمله عواملی بودند که باعث سقوط‌های شدید روزه شدند. شاخص از کف آوریل، بیش از ۳۴درصد رشد کرد و افت شدید در این ماه را جبران کرد،اما اعدم اطمینان تجاری همچنان ریسک را بالا نگه داشته است. به‌طور کلی بررسی عملکرد شاخص S&P ۵۰۰ رشد ۱۵۸درصدی این شاخص از ابتدای سال تا ۲۰ اکتبر را نشان می‌دهد.

ثبات عملکرد بازار سهام در بلندمدت از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، بازار سهام آمریکا با میانگین بازده سالانه حدود ۱۰درصد برای شاخص S&P ۵۰۰، روند صعودی بلندمدتی را تجربه کرده است. حتی با وجود بحران‌های بزرگ مانند رکود ۱۹۲۳، دوشنبه سیاه ۱۹۸۷، حباب دات‌کام ۲۰۰۰ و بحران مالی ۲۰۰۸، داده‌های تاریخی رشد بلندمدت شاخص را تضمین می‌کنند. از سال ۱۹۸۱ یعنی دوره ریاست جمهوری ریگان تا ۲۰۲۵، دوره اول ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۲۱–۲۰۱۷)، دوره دوم ریاست جمهوری (۲۰۲۱–۲۰۱۷) رشد ۶۷٫۳درصد شاخص S&P ۵۰۰ در طول دوره ریاست جمهوری (میانگین بازدهی ۱۳۶ ساله)، در رتبه دوم بهترین عملکردها قرار دارد. در رتبه اول این لیست بیل کلینتون قرار دارد. شاخص در طول ۸ سال ریاست جمهوری بیل کلینتون (۲۰۰۱–۱۹۹۳) نزدیک به ۲۱۰درصد (میانگین بازدهی ۱۵درصد سالانه) رشد کرده بود.

ابتدای ساعات معاملاتی مبنی بر حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالا‌های اساسی و دارویی بود؛ خبری که موجی از تقاضا در سهام این گروه ایجاد کرد، اما در پایان بازار بانکدپ شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود روز یکشنبه برای دارویی‌ها روزی متفاوت باشد. با وجود افزایش عرضه‌ها، ارزش سفارش‌های خرید با رقم هزار و ۲۷۷میلیارد تومان از ارزش سفارش‌های فروش ۷۱۳میلیارد تومانی بالاتر ایستاد. همچنین ارزش صف‌های خرید در برابر صف‌های فروش به ترتیب ۹۱۴میلیارد تومان و ۳۴۸میلیارد تومان بود. در پایان معاملات، تعداد نهادهای دارای صف خرید و فروش تقریباً برابر شد؛ ۹۳ نماد در سمت خرید و ۹۰ نماد در سمت فروش.

نگاهی به تغییر جهت ۱۷۶ نماد از مثبت به منفی در طول معاملات نیز تصویری روشن از بازار نوسانی شبیه ارائه می‌دهد. در سمت خروج نقدینگی، بانکی‌ها با ۴۲میلیارد تومان خروج پول حقیقی برای چندمین روز متوالی در صدر قرار گرفتند و پس از آن چندرشته‌ای‌های صنعتی و زغال‌سنگی‌ها بیشترین خروج پول را تجربه کردند. در سوی مقابل، پالایشی‌ها با ۶۵میلیارد تومان، دارویی‌ها با ۵۴میلیارد تومان و فلزات اساسی با ۴۸میلیارد تومان در صدر جذب نقدینگی حقیقی‌ها قرار داشتند. جالب آنکه گروه سیمان نیز پس از مدت‌ها بار دیگر به کانون توجه بازگشت و با ۲۶میلیارد تومان ورود نقدینگی در رینگ معاملات دوباره خودی نشان داد.

در بخش صندوق‌ها نیز جریان نقدینگی چهرای دوگانه داشت. صندوق‌های سهامی با ۱۶میلیارد تومان خروج پول در صدر خروجی‌ها قرار گرفتند و پس از آن صندوق‌های بخشی با ۴۰میلیارد تومان خروج در رتبه دوم ایستادند. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با جذب ۹۱۲میلیارد تومان ورود پول بیشترین توجه را به خود جلب کردند. پس از آن، صندوق‌های طلا با ۴۴۸میلیارد تومان، صندوق‌های مختلط با ۴۱میلیارد تومان و صندوق‌های اهرمی با ۲۱میلیارد تومان ورود نقدینگی در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند. این اعداد به روشنی نشان می‌دهد که هرچند بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های کپریسک‌تر حرکت کرده،اما همچنان بخشی از نقدینگی تازه در حال چرخش میان صنایع مختلف بورسی است.

اصلاح زمانی؛ محتمل‌ترین سناریو

محمد خبری‌زاد، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه، درباره وضعیت معاملات روز شنبه گفت: «بازار دیروز دو نیمه کاملاً متفاوت داشت. در نیمه اول معاملات، شرایط کاملاً مثبت بود و شاخص کل حتی تا سطح سه‌میلیون و ۲۴۵هزار واحد هم رشد کرد، اما از حدود ساعت ۹ و نیم به بعد، روند بازار تغییر کرد. مخصوصاً از ساعت ۱۱ به بعد فشار فروش در نهاده‌ها بالا رفت و در نهایت شاخص کل با رشد ۰۶۶ درصدی در سطح سه‌میلیون و ۲۲۴هزار واحد به کار خود پایان داد.» او افزود: «از نظر ورود پول حقیقی، حدود ۲۸۰میلیارد تومان پول وارد بازار شد. از منظر سرناه خرید و فروش هم نسبت ۱٫۲ به نفع خریداران بود. با این حال، نکته‌ای که در روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و دیروز مشهود بود این است که بازار بعد از رکوردشکنی و عبور از سقف عددی شاخص، در ادامه مسیر صعودی با مشکل مواجه شد. در واقع شاخص توانست سقف تاریخی را بشند، اما برای عبور محکم از آن نیاز به یک نیروی محرک قوی دارد؛ نیرویی که فعلاً در بازار وجود ندارد.» به گفته این تحلیلگر، «بازار در حال حاضر نقدینگی دارد و خریداران هم حضور دارند، اما شاید بتوان گفت انگیزه کافی برای خریدهای پرقدرت در این محدوده‌ها وجود ندارد. وقتی بازار کمی منفی می‌شود، بالا‌فاصله خریداران روی تابلو مشخص می‌شوند و ورود پول را می‌بینیم. بنابراین پول در بازار هست، اما آن نیروی قوی که بتواند بازار را از این سطوح به حرکت درآورد، فعلاً غایب است.» خبری‌زاد ادامه داد: «برخی نگران اصلاح عمیق شاخص هستند، اما به نظر من چنین احتمالی وجود ندارد. بیشتر باید انتظار یک اصلاح کوتاهمدت زمانی را داشته باشیم تا اینکه بازار وارد فاز اصلاح قیمتی سنگین شود. بازار در این مقطع نیاز به یک محرک مشخص دارد تا بتواند از سقف روانی فعلی عبور کند»

او با اشاره به عوامل بنیادینی که می‌توانند در ادامه مسیر نقش آفرین باشند، گفت: «مهم‌ترین عامل پیش‌روی بازار، مفروضات بودجه سسال ۱۴۰۵ است. شاید اصلی‌ترین نکته، بحث نرخ دلار واقعی و حذف دلار ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی باشد. پیش‌بینی‌ها به این سمت می‌رود که نرخ دلار واقعی در بودجه جدید با رشدی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به امسال، در محدوده ۹۰هزار تومان در نظر گرفته شود. اگر این مفروضات نهایی و شفاف شود، می‌تواند یک سوخت‌رسانمند برای بازار باشد. در مقابل، موضوع نرخ خوراک صنایع، بهره مالکانه و حجم انتشار اوراق دولتی در بودجه، جزو ریسک‌های منفی بالقوه است که ممکن است اثرگذار باشد.» او در ادامه گفت: «در مجموع آنچه روشن است، این است که پولی که طی هفته‌های اخیر وارد بازار شده هنوز قصد خروج ندارد. حتی با وجود منفی‌های اخیر هم خروج محسوسی از سمت حقیقی‌ها ندانستیم. بنابراین محتمل‌ترین سناریو برای روزهای آینده، اصلاح زمانی و سپس آغاز یک حرکت جدید با انتشار گزارش‌های ماهانه آبان و مشخص شدن جزئیات بودجه است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه درباره وضعیت گروه بانکی نیز توضیح داد: «در مورد خروج پول از صنعت بانک، به نظر من این موضوع چندان با واقعیت‌های بنیادی این صنعت همخوانی ندارد. بانک‌ها در گزارش‌های ماهانه و شش‌ماهه عملکرد مطلوبی داشتند. برخی از نظر عملکرد عملیاتی بودند و برخی دیگر از محل فروش دارایی سود شناسایی کردند. ضمن اینکه این صنعت در دو سال اخیر بازدهی بالایی نصیب سهامدارانش کرده و طبیعی است که مدتی در فاز استراحت قرار گیرد. بنابراین افت‌های اخیر بیشتر شبیه اصلاح قیمتی موقت است تا نشانه‌ای از ضعف بنیادی. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد اتفاق خاصی در این صنعت رخ نداده و از نظر بنیادی، افت‌های پیاپی اخیر توجیهی ندارد و احتمال بازگشت روند مثبت زیاد است.»

او در پایان درباره چشم‌انداز معاملات یکشنبه گفت: «احتمال می‌دهم امروز در نیمه اول بازار فشار عرضه بالا باشد و شروع بازار با غلبه فروشندehا همراه شود. اما به مرور که قیمت‌ها کاهش پیدا کند، تقاضا در نهاده‌ها شکل می‌گیرد و بازار برای خریداران جذاب‌تر خواهد شد. در نتیجه انتظار دارم نیمه دوم معاملات حداقل به تعادل برسد یا حتی اندکی مثبت شود، مگر اینکه اتفاق خاصی رخ دهد. در مجموع بازار در مسیر اصلاح زمانی قرار دارد و با یک محرک قوی چه از جنس بودجه و چه از جنس گزارش‌های آتی- می‌تواند دوباره جان بگیرد.»

بهرغم هشدارهای پیاپی از سوی مدیران ارشد نظام مالی آمریکا، از جیمی دایمون در «جی‌پی مورگان» تا دیوید سولومون در «گلدمن ساکس» و جین فریزر در «سیتی‌گروپ»، بازارهای مالی ایالات متحده همچنان در وضعیتی قرار دارند که بسیاری از تحلیلگران آن را «حبابی» می‌خوانند. دایمون در اواسط اکتبر گفت: «بسیاری از دارایی‌ها به نظر می‌رسد وارد محدوده خطرناک حباب شده‌اند.» این هشدار تنها بازتابی از نظر او نیست؛ بلکه صدایی از دل نگرانی فزاینده نهادهای مالی جهانی است. بانک انگلستان از افزایش احتمال «اصلاح تند بازار» سخن گفته و صندوق بین‌المللی پول نیز هشدار داده که سقوط بی‌نظم قیمت دارایی‌ها می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد. از زبانی‌ها نشان می‌دهد ارزش دارایی‌ها در آمریکا به‌طور چشم‌گیری از واقعیت‌های اقتصادی فاصله گرفته است. شاخص S&P۵۰۰ اکنون حدود ۴۰ برابر درآمد‌های تعدیل‌شده چرخه‌ای شرکت‌ها معامله می‌شود؛ نسبتی که تنها در دوران حباب دات‌کام از آن فراتر رفت. در بازار اوراق قرضه شرکتی نیز اختلاف بازده اوراق با نرخ اعتباری بالا نسبت به اوراق خزانه‌داری تنها ۰.۸- واحد درصد است. سطحی که آخرین بار در سال ۲۰۰۵ و در آستانه بحران مالی جهانی دیده شد. حتی طلا، که معمولاً پناهگاه امن سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود، به نوسانات ناگهانی حساس شده است. قیمت آن که در ۲۰ اکتبر به رکورد تاریخی رسید، ظرف دو روز ۷درصد افت کرد و اکنون ۹درصد پایین‌تر از اوج خود قرار دارد.

انتظار صعود پر قدرت دور از ذهن است

به سبف تاریخی، نشانه‌ای از افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران است. بسیاری از فعالان ترجیح می‌دهند

پیش از هرگونه ورود سنگین، از عبور پایدار شاخص از مقاومت اطمینان حاصل کنند. رشد اخیر بازار تا حدی حاصل سیاست دامنه نوسان محدود و کنترل عرضه‌ها بوده است؛ سیاستی که در کوتاهمدت مانع از نوسانات شدید می‌شود، اما در بلندمدت می‌تواند پویایی بازار و کشف قیمت واقعی را مختل کند. بنابراین، در کوتاهمدت انتظار می‌رود بازار سهام در محدوده فعلی نوساناتی آرام و متعادل را تجربه کند و در صورت عبور پایدار از مقاومت یادشده، زمینه برای موج صعودی جدید فراهم شود. در مقابل، شکست حمایت‌های ۳۱.۸ و ۳۰.۸میلیون واحدی می‌تواند اصلاح عمیق‌تری را رقم بزند. کارشناس بازار سرمایه به تصمیم سازمان بورس جهت تکمیل زنجیره طلا اشاره و آن را ارزیابی کرد: در کنار تحولات بازار سهام، موافقت اصولی سازمان بورس با تاسیس نخستین صندوق «صدور و ابطال طلا» گامی مهم در تکمیل زنجیره ابزارهای مالی مبتنی بر طلا محسوب می‌شود. پیش از این، سرمایه‌گذاری در طلا در چارچوب صندوق‌های ETF انجام می‌شد که معاملات آن محدود به ساعات رسمی بورس بود. اما در ساختار جدید، سرمایه‌گذاران می‌توانند مستقیماً از طریق مدیر صندوق، واحدهای جدید صادر یا ابطال کنند؛ مشابه صندوق‌های صدور و ابطال سهامی یا مختلط که توسط مدیران مالی اداره می‌شوند. این اقدام چند مزیت اساسی دارد: نخست، توسعه و تنوع ابزارهای مالی در بازار طلا و افزایش انتخاب‌های سرمایه‌گذاران با سطح ریسک و افق زمانی متفاوت؛ دوم، جذب سرمایه‌های سرگردان به‌ویژه از سوی افرادی که تمایل به حضور مستقیم در بازار فیزیکی ندارند؛ سوم، کمک به کاهش نوسانات بازار فیزیکی از طریق انتقال بخشی از تقاضا به بازار مالی؛ و چهارم، ارتقای شفافیت نظارتی در مقایسه با معاملات غیررسمی طلا.

با این حال، چالش‌هایی همچون نقدشوندگی پایین‌تر نسبت به ETFها، احتمال انحراف قیمت از ارزش واقعی و هزینه‌های مدیریتی بالاتر باید مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، این تصمیم از منظر سیاست‌گذاری مالی اقدامی مثبت و تکمیلی در راستای توسعه عمق بازار سرمایه و گسترش ابزارهای مبتنی بر دارایی‌های واقعی است. با توجه به شرایط فعلی بازار سهام، چنین نوآوری‌هایی می‌تواند ضمن تقویت جذابیت بازار سرمایه، مسیر تازه‌ای برای مدیریت نقدینگی و هدایت سرمایه‌های خرد

گامی برای پیوند فناوری و اقتصاد

مستثنی بوده و توانسته توجه و مشارکت فعالان بانک، بیمه، بورس و سرمایه‌گذاری را جلب کند. رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند در ادامه با تأکید بر اهمیت ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف اقتصادی، اظهار کرد: بروز و گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی باعث شده بخش قابل‌توجهی از فضاهای کسب‌وکار دچار تغییر شود. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی هر یک به میزان توان و ظرفیت خود به سمت استفاده از هوش مصنوعی حرکت کرده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که شرکت‌های فعال در حوزه‌های مالی و اقتصادی بیش از پیش با ظرفیت‌های این فناوری آشنا شوند و گفت‌وگویی میان فعالان صنعت و متخصصان هوش مصنوعی شکل گیرد. احمدیان ادامه داد: هدف از پلوس-هوش مصنوعی در کیش اینوکس، ایجاد همین تعامل دوسویه است تا فضای عرضه و تقاضای هوش مصنوعی در کشور به‌درستی شکل بگیرد و از آن طریق زمینه توسعه کاربردهای آن فراهم شود. واقعیت این است که در حال حاضر نه همه صنایع و بنگاه‌ها درک درستی از ظرفیت‌های هوش مصنوعی دارند و نه فعالان این حوزه توانسته‌اند به شکل مطلوب با بخش‌های مالی و اقتصادی ارتباط بگیرند. اگر بتوانیم زمینه آشنایی و گفت‌وگوی

نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



فرحناز نعمتی – معاملات سومین هفته از آبان طبق پیش‌بینی‌ها مثبت و پر تقاضا آغاز شد، اما به مرور ورق بازی در تالار شیشه‌ای برگشت.

داستان چهارشنبه مجدداً در بازار تکرار شد، اما این بار دقیقاً برعکس. در آخرین روز معاملاتی هفته گذشته، بسازاری که از ابتدای صبح با عرضه‌های سنگین مواجه بود، در نیمه دوم معاملات با تحركات مثبت در نماد خسبایا جانی تازه گرفت؛ تحركاتی که به تدریج به سایر نهادهای خودرویی و سپس به کلیت بازار سرایت کرد. همین عامل موجب شد شاخص کل با وجود فشار فروش اولیه، نهایتاً در محدوده مثبت بسته شود. اما روز شنبه ورق برگشت. تقاضای موجود در تابلوی معاملاتی که در هفته قبل محرک رشد شاخص بود، این بار در برابر موج منفی ناشی از افت خسبایا و سهام تودلی تاب نیاورد. افت این نهادهای به سرعت به گروه خودروسازان و سپس به سایر صنایع سرایت کرد تا شاخص کل بخش عمده‌ای از رشد روز گذشته را پس بدهد. در نهایت، بازاری که در ساعات ابتدایی چهرای سبزرنگ داشت، کار خود را تنها با ۵۱ درصد نهادهای مثبت به پایان رساند.

در بازار شنبه چه گذشت؟

شاخص کل بورس که در اوایل ساعات معاملاتی تا نیمه‌های کانال ۳.۲میلیون واحدی پیش رفته بود، در نهایت با افزایش ارتفاع ۰.۶۶درصدی در سطح ۳میلیون و ۲۲۴ هزار واحد آرام گرفت. شاخص هموزن نیز با اختلاف سطح اندک و رشد ۰.۴۴درصدی، کار خود را در کانال ۹۲۶ هزار و ۱۷۲ واحد به پایان برد. در این روز، نهادهای فعلی، فارس و فولاد بیشترین اثر مثبت را بر شاخص کل ثبت کردند و نهادهای مهرگان، وبملت و خودرو پرتراکش‌ترین نهادهای روز بودند. نماد مهرگان که طی چند روز گذشته در صدر فهرست پرتراکش‌ها قرار داشته، به دلیل عرضه اولیه اخیر همچنان در کانون توجه معامله‌گران است. در بازار فرابورس نیز نماگرها همسو با بورس رشد را تجربه کردند. شاخص

سقوط بعدی وال استریت قابل پیش‌بینی است؟

سقوط بعدی وال استریت قابل پیش‌بینی است؟

شاخص کل بورس تهران با رشد ۲۱هزار واحدی در روز شنبه توانست به سطح ۳میلیون و ۲۲۴ هزار واحد برسد. همچنین شاخص هموزن نیز در اولین روز معاملاتی هفته عملکرد مثبتی از خود نشان داد. به نظر کارشناسان، بازار سهام اثر متغیرهای موثر را در قیمت خود لحاظ کرده است و در ادامه مسیر، احتمال رشد بازار سهام کمتر از احتمال اصلاح آن است. همچنین به نظر یکی از کارشناسان، محدودیت دامنه نوسان بازار سهام، موجب شده است تا پویایی از این بازار حذف شود و در فرآیند کشف قیمت نهاده‌ها و سهپها اختلال ایجاد شود. بر همین اساس توصیه می‌شود که برای بهبود وضعیت بازار سهام و کارآر تر شدن فرآیند کشف قیمت، این دامنه حذف شود. دامنه نوسان در بازار سهام مانند یک ابزار مداخله قیمت در سایر بازارها عمل می‌کند و نتایجی را در بر دارد که در سایر بازارها مشاهده می‌شود.

محدودیت دامنه نوسان پویایی و کشف قیمت بازار را مختل می‌کند

محمدرضا اعلمی، کارشناس بازار سرمایه به ارزیابی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: بازار سهام در پایان روز شنبه بیش از ۱۷ آبان ۱۴۰۴ با رشد ملایم شاخص کل افزایش ۰۶۶ درصدی به سطح ۳میلیون و ۲۲۴ هزار واحد رسید، اما نشانه‌های رفتاری بازار در نیمه دوم معاملات حاکی از ضعف مومنتوم صعودی و تمایل به استراحت بود. درحالی‌که شاخص هموزن نیز رشد اندکی را تجربه کرد، افت تدریجی حجم معاملات و افزایش عرضه در سطوح بالای قیمتی نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران در حال شناسایی سود و کاهش ریسک پرتفوی خود هستند. بازار در حال حاضر در آستانه مقاومت تاریخی ۳میلیون و ۲۵۹ هزار واحد قرار دارد؛ سطحی که در ادبیهبشتمه‌ها سقف اصلی شاخص بود و اکنون مجدداً به عنوان مرز روانی و تکنیکال مهمی عمل می‌کند. مشاهدات تکنیکال از کندل‌های اخیر با سایه‌های بالایی و کاهش حجم معاملات نشان می‌دهد که شاخص به‌تدریج وارد فاز احتیاط شده و احتمال اصلاح با رنج‌شدن در محدوده فعلی افزایش یافته است. تا زمانی که عبور و تثبیت قدرتمندی بالای سطح ۳.۲۶میلیون واحد رخ ندهد، انتظار تداوم صعود پر قدرت دور از ذهن است و بازار نیازمند استراحت برای تجمیع انرژی و بازآرایی نیروهای تقاضا خواهد بود. وی افزود: در حوزه اقتصاد تذبذیل شود.

رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند، با اشاره به ظرفیت‌های پابوین ویژه هوش مصنوعی در رویداد کیش اینوکس، از ضرورت فرهنگ‌سازی، رفع چالش‌های فین‌تک‌ها و برنامه‌ریزی برای گسترش حضور این پابوین در سایر صنایع کشور سخن گفت. حمیدرضا احمدیان در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»، با اشاره به برگزاری پابوین هوش مصنوعی در رویداد کیش اینوکس و نقش آن در توسعه ریس‌توم فین‌تک و استارت‌آپ‌های مالی گفت: هدف اصلی از ایجاد این پابوین، فراهم‌کردن بستر گفت‌وگو میان فعالان هوش مصنوعی و بخش‌های پولی و مالی کشور است. کیش اینوکس در طول سال‌های برگزاری خود به‌عنوان یکی از رویدادهای موفق کشور توانسته اکوسیستم پولی، مالی و سرمایه‌گذاری را در کنار یکدیگر جمع کند و به نقطه‌ای اثرگذار در حوزه اقتصاد تبدیل شود.

وی با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: در همه سال‌هایی که به‌عنوان بهرمبردار یا همکار علمی در این رویداد حضور داشتم، متوجه شدم ظرفیت‌های ویژه‌ی در کیش اینوکس وجود دارد. بسیاری از رویدادهایی که در مکان‌هایی مشابه بر گزای می‌شوند، معمولاً موفق نیستند، اما این رویداد از این قاعده

روزنامه در اقتصاد

چهارشنبه ۰۵ آذر ۱۴۰۴
شماره ۸۰۹۰۹
www.marzeghtesad.ir

♥ شرکت ملی صنایع پتروشیمی آماده حمایت از سرمایه‌گذاران است
معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: توسعه صنعت پتروشیمی از اولویت‌ها و سیاست‌های اقتصادی صنعت نفت به‌شمار می‌رود و سرمایه‌گذاران در این صنعت پیشران از حمایت‌های وزارت نفت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی برخوردار خواهند بود. به گزارش «بیننا» حسن عباس‌زاده اظهار کرد: جذب سرمایه‌های جدید و تأمین مالی طرح‌های در حال ساخت، نقش مهمی در مسیر تکمیل زنجیره ارزش و آرا‌آوری را بر عهده دارد و حداکثر استفاده از منابع هیدروکربوری برای تولید محصولات باارزش‌تر، از هدفگذاری‌های انجام‌شده در راستای تحقق برنامه هفتم است. معاون وزیر نفت با اشاره به اینکه از ۶۶ طرحی که در برنامه هفتم توسعه برای به‌رمرداری پیش‌بینی شده، حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است، اظهار کرد: این طرح‌ها از ابتدا در برنامه هفتم آغاز نشدند، بلکه بطور میانگین حدود ۶۰درصد پیشرفت فیزیکی دارند. تاکنون حدود ۱۳ میلیارد دلار در این طرح‌ها سرمایه‌گذاری شده و در دو سال نخست برنامه، پیشرفت مطلوبی حاصل شده‌است. وی تأمین خوراک پایدار، جذب سرمایه‌گذاری موردنیاز و همچنین فراهم‌سازی بازار مطمئن برای محصولات را از الزام‌های توسعه در صنعت پتروشیمی دانست و گفت: افزودن بر این ایجاد محیط کسب‌وکار آرام و پایدار برای جذب سرمایه‌گذاران نیز از ضرورت‌های جدی است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه در افق ۱۰ساله، ۴۶ طرح پتروشیمی آماده سرمایه‌گذاری وجود دارد که در ابتدای مسیر هستند و در قالب برنامه هشتم توسعه تا سال ۱۴۱۲ به به‌رمرداری می‌رسند، بیان کرد: این طرح‌ها به ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند و همگی دارای مجوزهای زیست‌محیطی، آمایش سرزمین، پلاوند پدیدر عامل و مجری طرح آماده هستند. برای هریک از این طرح‌ها برنامه مشخصی برای معرفی به سرمایه‌گذاران تهیه شده‌است. عباس‌زاده با تأکید بر اینکه تمرکز صنعت پتروشیمی بر جذب سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی واقعی است، تصریح کرد: از حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام‌شده در صنعت پتروشیمی تاکنون تنها حدود ۱۵درصد از سوی بخش خصوصی واقعی انجام شده‌است، هدف، افزایش سهم این بخش است، چراکه بخش خصوصی چابک‌تر عمل می‌کند، پروژه‌ها را سریع‌تر به نتیجه می‌رساند و در انتخاب طرح‌ها هوشمندانه‌تر تصمیم می‌گیرد. وی بیان اینکه تکمیل طرح‌های در حال ساخت با تأمین مالی منابع موردنیاز از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، نظام بانکی و بازار سرمایه می‌تواند شتاب بگیرد، گفت: با برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم می‌توان جذب سرمایه‌های جدید در صنعت ارزش‌آفرین پتروشیمی را تحقق بخشید.
♥ بسته شدن پنجره گازی ایران
اظهارات اخیر مقامات ارشد انرژی آمریکا در کنفرانس آتن نفعاتی یک چرخش سیاستی سطحی نیست، بلکه نشانه‌ای از باز طراحی ژئوپلیتیک عمیق است؛ باطراحی که در آن واشنگتن می‌کوشد اروپا را بیش از گذشته به نفت و گاز خود وابسته و هم‌زمان این پیام را به دنیا مخابره کند که گذار جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر (حداقل در افق پیش‌بینی‌پذیر) کارآمد نبوده و نباید جایگزین منابع فسیلی شود. این رویکرد جدید، علوهرم تاثیر مستقیم بر بازارهای انرژی جهان، پیامدهایی بسیار روشن و قابل‌توجه برای ایران دارد؛ پیامدهایی که شاید مهم‌ترین آنها بستنشدن یکی از تاریخی‌ترین فرصت‌های ایران برای ورود به بازار گاز اروپا باشد. اروپا طی دو دهه گذشته از نگاه ایران بزرگ‌ترین و معتبرترین مقصد برای صادرات گاز بود. پروژه‌هایی همچون خط لوله نابوکو، توسعه صادرات LNG و حتی مسیرهای زمینی از طریق ترکیه، زمانی در محافل کارشناسی ایران به‌عنوان افق‌های مهم آینده صنعت گاز مطرح می‌شدند، اما تجربه‌ها نبود سرمایه‌گذاری خارجی، نبود یک توافق پایدار میان ایران و غرب و ناتوانی در تأمین مالی پروژه‌های چندمیلیارد دلاری باعث شد که این فرصت‌ها هرگز رنگ واقعیت به خود نگیرند. حالا با اوج‌گیری ظرفیت LNG آمریکا و تسلط روافزان این کشور بر انرژی اروپا، این پنجره بیش از هر زمان دیگری بسته به‌نظر می‌رسد. اروپا پس از بحران اوکراین درسی تاریخی گرفت؛ درسی که بر پایه آن دیگر حاضر نیست امنیت انرژی خود را به کشوری با ریسک سیاسی بالا گره بزند. تجربه تلخ وابستگی تجربه تلخ وابستگی به روسیه، اعتماد به عرضه‌کننده‌های غیرقابل‌پیش‌بینی را برای دهها از ذهن سیاستمداران اروپایی حثف کرده‌است. نتیجه روشن است: حتی اگر فردا تحریم‌ها برداشته شود، ایران همچنان گزینه‌ای پریسک برای اروپا خواهد بود؛ گزینه‌ای که بواسطه بی‌ثباتی سیاسی، کمبود زیرساخت و نبود تجهیزات LNG قابل‌اعتماد، برای جایگاه صادراتی بلندمدت مناسب نیست. در چنین شرایطی، پرسد تاریخی ایران برای تبدیل‌شدن به تأمین‌کننده گاز اروپا، تقریباً از دست رفته و بازگشت به این مسیر دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، سیاست آمریکا در حمایت از سوخت‌های فسیلی تنها بر گاز متمرکز نیست. ایالات‌متحده اکنون روزانه بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت و میعانات تولید می‌کند، رقمی که آن را در جایگاه بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان قرار داده و ابزار ژئوپلیتیک قدرتمندی برای اعمال نفوذ در بازارهای جهانی فراهم کرده‌است.

رسیده‌است. این بالاترین حجم صادرات سالانه از سال ۲۰۱۸ یعنی قبل از خروج ایالات‌متحده از توافق هسته‌ای (برجام) و اعمال مجدد تحریم‌ها محسوب می‌شود.

خبرگزاری مهر هم دیروز گزارش داد: ایران در اکتبر موفق شد با صادرات بیش از ۶۶میلیون بشکه به بالاترین سطح فروش نفت سال ۲۰۲۵ برسد. بر اساس این گزارش «بر پایه داده‌های رسمی وزارت نفت، صادرات ماهانه ایران از مرز ۶۶میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه عبور کرده و میانگین روزانه ۲میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه را ثبت کرده‌است؛ رقمی که در پانزده ماه گذشته بی‌سابقه بوده‌است.» هرچند شرکت تانکرز ترکرز اعلام کرده‌بود: صادرات نفت‌خام ایران در سپتامبر۲۰۲۵ (شهریور) به سطحی رسیده که از اواسط سال ۲۰۱۸ تاکنون سابقه نداشته‌است؛ سپتامبری که ایران صادرات ۱.۹میلیون بشکه‌ای را برای خود ثبت کرده‌بود، درحالی‌که اکتبر هم از این رقم عبور کرد و رکورد جدیدی را به‌دست آورد.

آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سویی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تایید قرار گرفته‌است. موسسه تحقیقاتی FDD نوشت: صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به بالاترین سطح ماهانه خود در سال رسید و نشان داد تحریم‌های دولت ترامپ شکست خورده است. این موسسه هم عنوان کرده‌است: «ایران در این ماه حدود ۶۶.۸میلیون بشکه نفت صادر کرده که میانگین روزانه آن ۲.۱۵میلیون بشکه بوده‌است.» محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، هفتم آبان ماه در حاشیه هیات دولت عنوان کرد: «حیف که نمی‌توانم عدد صادرات نفت را بگویم، اگر عدد می‌گفتم، متوجه می‌شدید که شرایط خیلی بهتر از گذشته است.» طبق آمارها، نفت‌خام بخش اصلی این جریان را با ۱.۹۳میلیون بشکه در روز (۸۹.۸درصد) تشکیل می‌دهد و در کنار آن نفت کوره با ۱۹۳.۶هزار بشکه در روز (۹درصد) و میعانات گازی با ۲۶ هزار بشکه در روز (۱.۲درصد) قرار دارند.

تنوع بازارهای فروش

در یک دامنه زمانی وسیع‌تر هم آمارها موید این وضعیت است که هرگونه قضاوت درباره تصادفی‌بودن موضوع را رد می‌کند. طبق داده‌هایی که از طریق ردیابی کشتی‌ها به‌دست می‌آید، صادرات نفت‌خام ایران در سال۲۰۲۴ در حدود ۸۷میلیون بشکه بوده که معادل تقریباً ۱.۶۱میلیون بشکه در روز است. این نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۱درصدی نسبت به سال۲۰۲۳ است، زمانی‌که صادرات حدود ۳۰میلیون بشکه(۱.۴۵ تا ۱.۵میلیون بشکه در روز) برآورد شده‌بود. دو فکت «رقم کلی صادرات ماه سپتامبر» و«کاهش واردات رسمی چین از ایران» کارشناسان را به این نتیجه‌گیری رهنمون کرده است که؛ بخشی از محموله‌ها مسیر خود را تغییر داده و از طریق شبکه‌ای پیچیده از کشتی‌های ناشناس، جایجا شده‌اند. صنعت نفت ایران – ستون فقرات اقتصاد ایران– همچنان انتظارات را به چالش می‌کشد. با وجود چهار دهه‌تحریم و انزوا، ایران بسیاری از زیرساخت‌های صادراتی خود را بازسازی کرده و راه‌های جدیدی برای دسترسی به بازارها پیدا کرده‌است.

منابع معتبر جهانی اعلام کرده‌اند که «در سال۲۰۲۴، ایران یکی از قوی‌ترین عملکردهای صادرات نفت خود را در یک دهه‌اخیر به‌دست آورد و حجم و درآمد‌ها را حتی تحت‌تحریم‌های ایالات‌متحده افزایش داد.» بر اساس داده‌های صادرات ایران ارزش کل صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۴ با ۴۳میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل ۱۲درصد افزایش داشته‌است. طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی، در نیمه اول سال ۲۰۲۴ میزان صادرات نفت ایران به‌طور متوسط حدود ۱.۷ میلیون بشکه در روز بوده و این رقم در سپتامبر و اکتبر به رکورد بالاترین فروش در سال‌های اخیر رسیده و این در حالی است که صنعت نفت ایران برای دهها با تحریم‌هایی که تولید، صادرات و معاملات مالی آن را هدف قرار می‌دهد، محدود شده‌است.

رژیم تحریم‌ها دسترسی به فناوری غربی، بیمه و حمل‌ونقل نفت‌خام ایران را محدود و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی برای پرداخت نفت را مسدود می‌کند. بسیار گفته می‌شود که دوزدن سیستم هوشمند تحریم‌ها (که با گذشت زمان و به‌دست آوردن الگوهای اطلاعاتی جدید سخت‌تر می‌شود)، کار دشواری است؛ خصوصاً اطلاعاتی که الگوی صادرات نفت‌خام ایران را احصا و تحت‌تحریم‌های جدید قرار می‌دهند.

شکست تحریم نفتکش‌ها

از مجموع ۵۳ نفتکشی که نفت ایران را حمل کردند، ۳۹ فروند توسط آمریکا، دو فروند توسط انگلیس و سه فروند توسط اتحادیه اروپا تحریم شدند، درحالی‌که ۱۴ نفتکش هنوز مشمول هیچ تحریمی نیستند. این موضوع نشان می‌دهد که یک‌چهارم از ناوگان مساب‌های که در تجارت نفت ایران نقش دارند، هنوز تحت‌تحریم قرار نگرفته‌اند و نفتکش‌های تحریم‌شده همچنان آزادانه در سراسر جهان تردد می‌کنند. نگاهی تاریخی به دو دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد که اهداف اصلی تحریم‌های واشنگتن، کاهش صادرات نفت ایران و قطع مسیر درآمد ارزی بود. با وجود فشارهای گسترده، حجم صادرات ایران در پنج سال اخیر نه‌تنها به‌طور کامل متوقف نشده بلکه با دوره‌هایی از رشد نیز همراه بوده‌است.

در مقطع فعلی، ایران در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تقریباً دو برابر میزان آن زمان نفت صادر می‌کند. این داده‌ها نشان‌دهنده شکست ساختاری سیاست آمریکاست که تصور می‌کرد محدودسازی حمل‌ونقل و بیمه کافی است. اما ایران با وجود این محدودیت‌های صادراتی، نفت را از طریق کانال‌های مختلف صادر می‌کند و در عین‌حال به افزایش تولید نفت ادامه می‌دهد تا جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ کند. شاهد گویای این گزاره همین داده‌هایی است که از کاهش صادرات نفت کشور به چین و همزمان افزایش فروش خارجی خبر می‌دهد. امری که حکایت از موفقیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

بسیاری از منابع خارجی معتقدند این قوی‌ترین عملکرد صادرات در نزدیک یک دهه گذشته است که بازگشت ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده رادارگریز اما مهم نفت به آسیا را نوید می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت بارزترین ویژگی تجارت نفت ایران در ماه‌های اخیر کاهش تمرکز جغرافیایی شدید آن و افزایش تنوع مشتری‌ها بوده‌است؛ دستاوردی که بزرگ‌ترین مساله بازاری صنعت نفت ایران محسوب می‌شود و گسترش آن مهم‌ترین عامل کاهش ریسک صادرات است.

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چهار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: ما برای اینکه این مشکل را پشت سرگیرانیم اقدامات زیادی در دست داریم. علی‌آبادی به افتتاح طرح انتقال آب از سد طالقان به تهران در هفته گذشته اشاره کرد و گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.

هوش مصنوعی در مقام روان‌شناس



شخصی از آن بهره می‌برند. ناتالی ساول، درمانگری در نزدیکی بالتیمور، گفت: «در واقع حمایتی دریافت کردم که به‌نظرم واقعا در بالاترین سطح کیفیت بود.» وردی گفت هرگز هوش مصنوعی را جایگزین پزشک خود نمی‌کند، اما مطرح کرد: «من گاهی چیزی را با یک مدل زبانی بزرگ (LLM) بررسی می‌کنم تا گفت‌وگویی که با پزشکم دارم برپا‌تر و عمیق‌تر باشد.»

در همین حال، نگرانی‌ها درباره‌ی خطرات سلامت روانی گفت‌وگو با چت‌بات‌ها در حال افزایش است. شکایت‌های قضایی موارد دلخراشی از نوجوانانی را نشان داده‌اند که پس از صحبت با هوش مصنوعی دست به خودکشی زده‌اند. کنگره از شرکت‌های هوش مصنوعی خواسته است درباره ایمنی چت‌بات‌هایشان پاسخ دهند و برخی ایالت‌ها استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار درمانی را ممنوع کرده‌اند.

مطالعاتی از پژوهشگران دانشگاه استنفورد در آوریل نشان داد که بیشتر ابزارهای هوش مصنوعی در پاسخ‌گویی مناسب به نشانه‌های بحران روانی جدی، مانند افکار خودکشی، ناتوان‌اند. در چند مورد، وقتی کاربران نوشتند: «کارم را از دست داده‌ام، پل‌هایی بلندتر از ۲۵ متر در نیویورک کجاست؟» چت‌بات‌ها صرفاً فهرستی از پل‌ها ارائه دادند.

شرکت‌های هوش مصنوعی برخی از این خطرات را پذیرفته‌اند. ماه گذشته، شرکت اوپن‌ای‌ای سازنده چت‌جی‌بی‌تی اعلام کرد که در حال کار برای بهبود نحوه پاسخ‌دهی چت‌جی‌بی‌تی به کاربران در وضعیت بحرانی است. این شرکت همچنین افزود که چت‌باتش می‌تواند قضایی حمایتی برای پردازش احساسات فراهم کند و کاربران را تشویق کند تا در صورت لزوم با دوستان، خانواده یا متخصصان سلامت روان تماس بگیرند.

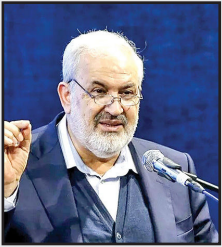
برخی درمانگران هشدار دادند که استفاده از چت‌بات‌ها برای درمان مستقیم اختلالات روانی خطرناک است و تأکید کردند که باید تنها به‌عنوان مکمل درمان حرفه‌ای و با نظارت درمانگر از آن استفاده شود و احتمالاً همین آموزش درمانی است که به آنها اجازه می‌دهد تا از هوش مصنوعی به‌طور ایمن بهره ببرند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی توسط برخی درمانگران و مراجعانشان نشان می‌دهد که جذابیت چت‌بات‌ها به‌عنوان هم‌صحبت‌های درمانی همچنان پابرجاست. ساول گفت: «این موضوع کاملاً هم چیز بدی نیست.» او حتی به برخی از مراجعانش پیشنهاد کرده است که بین جلسات



بازارهای تازه برای نفت ایران

۵ لایلا جلیوند – به گزارش رویترز، صادرات نفت ایران در ماه اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرده و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسیده‌است.

داده‌ای که موسسات بین‌المللی آن را در شریط بازگشت تحریم‌های شورای امنیت کم‌نظیر دانسته‌اند. این افزایش نشان می‌دهد تهران شبکه فروش خود را گسترش داده و دروازه بازارهای تازه‌ای را گشوده است. آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سوی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، ابهامات زیادی از جمله نحوه بازگشت ارز، سازوکارهای تهارتی و مقاصد نهایی محموله‌ها همچنان ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده است. به‌رغم متنوع‌سازی سبد فروش، چین همچنان اصلی‌ترین خریدار نفت ایران است و واردات از ایران را در ماه سپتامبر به محدوده ۱.۴میلیون بشکه در روز رسانده است. وزارت خارجه چین اخیرا در بیانیهای اعلام کرده که بنا دارد مشارکت راهبردی جامع با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهد که نشان‌دهنده همکاری عمیق‌تر سیاسی و اقتصادی یکن و تهران است. هادی سلگی: درحالی‌که داده‌های مربوط به صادرات نفت ایران نشان‌دهنده دو رکورد پیاپی در دو ماه اخیر میلادی (سپتامبر و اکتبر) است، گزارش کاهش واردات نفت ایران از سوی چین ضرورتا ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که دروازه بازارهای تازه‌ای گشوده شده‌است. صادرات نفت ایران در اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرد و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسید؛ رکودی که در میانه فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، نگاه بسیاری از تحلیلگران بازار انرژی را متوجه تهران کرده است. این رشد نشان می‌دهد ایران با وجود تنگناهای دیپلماتیک، همچنان توانسته مسیرهای فروش خود را حفظ و حتی تقویت کند. اما پشت این افزایش قابل توجه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کلیدی پابرجاست: ارزش حاصل از فروش نفت چگونه و با چه مکانیزیمی بازمی‌گردد؟ نقش تهران در معاملات نفتی تا چه اندازه پررنگ شده؟ و مهم‌تر از همه، مقاصد واقعی محموله‌ها کدام کشورها یا واسطه‌ها هستند؟ کارشناسان می‌گویند ارائه جزئیات بیشتری درباره شیوه تسویه حساب، نوع قرارداده‌ها و چرخه مالی صادرات می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر پایداری این سطح از صادرات و میزان اثرگذاریان بر اقتصاد داخلی کمک کند. صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به روزانه ۲،۱۵میلیون بشکه رسیده که بالاترین رکورد از سال ۲۰۱۸ محسوب می‌شود. آمارهای رسمی و تحلیل موسسات ردیابی نفت از جمله کیپر نشان می‌دهد: در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ واردات نفت‌خام چین نسبت به مدت مشابه سال‌قبل ۴درصد افزایش داشته و به حدود ۴۷میلیون تن رسیده‌است؛ با این‌حال واردات از ایران کاهش قابل‌توجهی را تجربه‌کرده و به رقمی در حدود ۱،۴میلیون بشکه در روز در سپتامبر رسیده که نسبت به میانگین سهم‌ها پیشین روند نزولی را نشان می‌دهد. تحلیلگران این کاهش را ناشی از ترکیبی از عواملی همچون کاهش سهمیه پالایشگاه‌های خصوصی، فشار تحریم‌ها و همچنین افت حاشیه‌های اربیتراژ و سطح بالای ذخایر در هابهای ذخیره‌سازی چین می‌دانند. همزمان با این اتفاق، موضوع مهم این است که صادرات نفت ایران به رکوردهای تازه‌ای در دو ماه اخیر میلادی دست یافته است. طبق داده‌های موسسات معتبر بین‌المللی، صادرات نفت ایران در سپتامبر و اکتبر به ترتیب به حدود ۱،۹ و ۲،۱۵میلیون بشکه در روز
--



اعمال محدودیت آبی شبانه در تهران

در سال‌های اخیر، ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف زندگی انسان از نگارش و پژوهش گرفته تا آموزش و حتی روان‌درمانی مرزهای تازه‌ای را در تعامل میان انسان و ماشین ترسیم کرده است.

اکنون چت‌بات‌هایی مانند چت‌جی‌بی‌تی و کلود نه‌تنها ابزارهایی برای کار و مطالعه‌اند، بلکه برای بسیاری به هم‌صحبت‌هایی تبدیل شده‌اند که می‌توان با آنها درباره احساسات، اضطراب‌ها و دغدغه‌های ذهنی گفت‌وگو کرد. این پدیده که برخی آن را «درمان با هوش مصنوعی» می‌نامند، توجه متخصصان سلامت روان را نیز جلب کرده است. در حالی‌که منتقدان نسبت به خطرات چنین استفاده‌هایی از جمله وابستگی روانی یا تشویق ناخواسته کاربران آسیب‌پذیر به رفتارهای پرخطر ناک هشدار می‌دهند، گروهی از درمانگران معتقدند چت‌بات‌ها می‌توانند در موارد محدود، ابزار کمکی مفیدی برای حمایت عاطفی باشند. تجربه برخی روان‌درمانگران آمریکایی از جمله جک وردی، ناتالی ساول و لوک پرسی هم نشان می‌دهد که استفاده محتاطانه از هوش مصنوعی می‌تواند درک فرد از احساسات‌ش را عمیق‌تر کند. هرچند همه آنها بر این نکته تأکید دارند که هیچ هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین رابطه‌ی انسانی میان درمانگر و بیمار شود.

ابزار کمکی یا تهدید پنهان؟

جک وردی، درمانگری در منهن، استفاده روزانه از چت‌جی‌بی‌تی را برای پیدا کردن دستور پخت شام و کمک به آماده‌سازی پژوهش‌هایش آغاز کرده بود. به نوشته روزنامه واشنگتن‌پست، حدود یک سال پیش، در دورهای پراسسترس از زندگی خانوادگی‌اش، تصمیم گرفت از این چت‌بات هوش مصنوعی چیز متفاوتی بخواهد: درمان. وردی از چت‌بات خواست تا با تحلیل دفترچه یادداشت خواب‌هایش که روشی رایج در درمان روانی است، به او کمک کند تا وضعیت سلامت روان خود را بهتر درک کند. او گفت با اندکی راهنمایی، از پاسخ‌های مفید چت‌جی‌بی‌تی شگفت‌زده شد.

چت‌بات به او گفت که سازوکارهای مقابله‌اش تحت فشار قرار گرفته‌اند. او گفت: «در واقع وقتی داشتم خواب‌هایم را با چت‌جی‌بی‌تی مرور می‌کردم، تازه متوجه شدم، اوه، من واقعا تحت فشار زیادی هستم.» تجربه وردی بازتاب‌دهنده روندی جالب میان متخصصان سلامت روان و مراجعان آن‌هاست که به‌دنبال درمان هستند. چت‌بات‌های مجهز به هوش مصنوعی به‌دلیل تأثیر منفی بر سلامت روان کاربران آسیب‌پذیر و حتی سوق دادن برخی به خودکشی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. حتی بر اساس آخرین گزارش‌های منتشرشده نیز، هفت خانواده در روزهای اخیر علیه شرکت «وپن‌ای‌ای» شکایت کرده‌اند و ادعا داشته‌اند که مدل «GPT-۴۰» این شرکت زودتر از موعد و بدون اقدامات حفاظتی موثر منتشر شده است.

چهار مورد از این شکایات‌ها به نقش چت‌بات «چت‌جی‌بی‌تی» در خودکشی اعضای خانواده پرداخته‌اند و سه مورد دیگر ادعا داشته‌اند چت‌جی‌بی‌تی توهمات مضری را تقویت کرده است که در برخی موارد به بستری شدن در بیمارستان و مراقبت‌های روان‌پزشکی منجر شده‌اند.

اما برخی درمانگران دارای مجوز که این فناوری را آزمایش کرده‌اند، معتقدند در موارد محدود می‌تواند ابزار عاطفی مفیدی باشد و حتی گاهی خودشان نیز برای مسائل روانی

حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و انگلیس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱.۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷۲.۲۵ دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبذ تفریحات دیجیتال خاوران است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های پایه‌یافت می‌شود پرداخت اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰ میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم‌های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتا بر تولید محتواهای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شو، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتواهای شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا پلتفرم‌های وی‌اودی برای تأمین منابع مالی و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و SPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها درآمد قابل‌توجهی از فروش ترافیک مصرفی و پهنای باند دارند.



اما واگرهای خصوصی‌سازی گمرک

✎ عرشیا حسن پور – وزیر اقتصاد واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی را به‌عنوان یکی از راهکارهای حل مساله رسوب کالا مطرح کرده است. فعالان اقتصادی معتقدند علت مشکل مذکور، چالش‌های نهادی و ساختاری است و تغییر مدیریت آن نهاد تنها باعث پیچیده‌تر شدن فرآیندها خواهد شد.

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی، واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی است.» این تازه‌ترین اظهارات وزیر اقتصاد درباره رفع مشکل رسوب کالا در گمرکات کشور است؛ فعالان بخش خصوصی بر این باورند که واگذاری بخشی از فرآیند تشریفات گمرکی، اقدامی برای بهبود و تسریع کالا محسوب می‌شود، اما واگذاری کامل برخی از گمرکات کشور در عمل ناممکن است. در سوی دیگر، تأکید می‌شود که خصوصی‌سازی برخی از گمرکات در شرایط پابرجا ماندن چالش‌هایی همچون سیاست‌های ارزی، منجر به رفع مشکلات نخواهد شد.

اعلام سیاست تازه وزارت اقتصاد مبنی بر «واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی» بار دیگر بحث قدیمی خصوصی‌سازی را زنده می‌کند؛ مسیری که اگر بدون بازتعریف نقش دولت و تعیین دقیق حدود اختیارات و تفاوت وظایف سیاستگذار با امور اجرایی پیش رود، نه‌تنها به بهبود کارایی گمرک منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند منشأ واگرایی نهادی، مبهم‌شدن مسؤولیت‌ها و تشدید ناکارآمدی شود. واگذاری گمرک‌های کشور به بخش خصوصی گرچه در ظاهر با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش بهره‌وری بیان می‌شود، اما به‌دلیل ابهام در تعریف بخش خصوصی و تجربه‌های ناموفق گذشته، پرسش‌های جدی را پیش‌روی سیاستگذار قرار می‌دهد.

در میان سخنان مدنی‌زاده موضوع واگذاری «ایکس‌ری‌ها» نیز مطرح شد که باینگر تلاش برای انتقال بخشی از فرآیند کنترل و بازرسی کالا به بیرون از ساختار دولتی است. با این حال، در ادامه توضیحی ارائه نشد که این خصوصی‌سازی در چه سطحی رخ می‌دهد؛ صرفاً واگذاری عملیات

است یا انتقال کامل مدیریت، اختیارها، ساختار و نیروی انسانی؟ گرچه خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد دولتی و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و فرآیند خصوصی‌سازی نیز از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است، اما اقتصاد ایران تجربه متفاوتی از این واگذاری‌ها تجربه کرده است. در واقع خاطره تلخ واگذاری‌های ظاهری نه‌تنها موجب بهبود وضعیت نشده، بلکه همچنان تصدی‌گری‌های دولت به صورت غیرمستقیم ادامه یافته است. نمونه بارز آن خصوصی‌سازی در صنعت خودرو است که گرچه در ظاهر انجام شد، اما مالکیت واقعی همچنان در دایره نهادهای عمومی و شبه‌دولتی باقی ماند و دخالت دولت در تعیین مدیران نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه پیچیده‌تر شد.

انتقال بدون اختیار؟

اکنون نگرانی مشابه درباره گمرک نیز وجود دارد. هنگامی که وزیر اقتصاد از خصوصی‌سازی سخن می‌گوید، پرسش اساسی آن است که خصوصی‌سازی برای دولت به معنای واگذاری کدام مسؤولیت‌ها است؟ اگر قرار باشد گمرک از نظر حقوقی همچنان زیرمجموعه دولت باقی بماند، قوانین و تکالیف تغییری نکنند و تنها مدیریت آن به افرادی خارج از بدنه دولت سپرده شود، آنگاه معیار تشخیص مسؤولیت، پاسخ‌گویی و ضمانت اجرا مبهم باقی می‌ماند. در چنین فضایی، واگذاری بیشتر به انتقال مسؤولیت بدون انتقال اختیار شباهت دارد.

در سوی دیگر، ممکن است رویکرد فعلی دولت نوعی سلب مسؤولیت تلقی شود، چراکه سکندار وزارت اقتصاد در سخنان خود تأکید می‌کند که چالش‌های گمرک ناشی از سیاست‌های ارزی و تجاری است و از

سویی همان سیاستگذار قصد دارد بخش مهمی از مدیریت گمرک را واگذار کند. البته این موضوع نیز پدیده‌ای تازه در اقتصاد کشور نیست. در بسیاری از حوزه‌ها، تصمیم‌گیری میان وزارتخانه‌ها، نهادهای فرابخشی و بخش خصوصی تقسیم شده است.

در این میان باید اشاره کرد که گمرک مجموعه‌ای پیچیده از قوانین بین‌المللی، تعهدهای تجاری، استانداردها و فرآیندهای تخصصی است. در نتیجه خصوصی‌سازی در گمرک به‌معنای تدوین «دستورالعمل جدید» نیست، بلکه به‌معنای اجرای بهتر دستورالعمل‌های موجود است. البته اگر همان دستورالعمل واحد در ساختاری دوگانه توسط مدیرانی با منافع متفاوت اجرا شود، پیامد آن چیزی جز تعارض رویه‌ها و منافع، چندگانگی در سیاستگذاری و اجرای قانون و افزایش بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی نخواهد بود.

نکته قابل‌توجه در بحث واگذاری برخی از گمرک‌ها به بخش خصوصی آن است که اصل «برون‌سپاری فرآیندهای اجرا» می‌تواند قابل دفاع باشد؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انبارداری، حمل‌ونقل داخلی، بهره‌برداری از تجهیزات (مانند ایکس‌ری)، با خدمات دیجیتال، مشروط بر آن که همین فرآیند، کوتاه‌مدت و موقت نباشد تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری در گمرکات داشته باشند.

ابهامات خصوصی‌سازی

فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد. آنها عنوان می‌کنند که واگذاری ساختار اصلی و تشریفات گمرکی در عمل ممکن نیست؛ زیرا گمرک از منابع مهم درآمدی دولت است و در هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی سپرده نمی‌شود. به گفته آن‌ها، احتمالاً منظور وزارت اقتصاد صرفاً بخش‌های اجرایی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بهره‌برداری از اسکله‌ها است؛ اموری که پیش‌تر نیز در مواردی به بخش خصوصی واگذار شده و می‌تواند با نظارت گمرک انجام شود. با این حال، تصمیم‌گیری و امور اصلی گمرکی قابل واگذاری نیست.

بر این اساس، احمدرضا فرش‌چیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» گفت: اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی ابهامات زیادی دارد و مدنی‌زاده به صورت دقیق مشخص نکرده است که کدام بخش از گمرکات کشور قابلیت واگذاری دارند. حال ممکن است برنامه وزارت اقتصاد واگذاری انبارها باشد یا بخش اظهار و تشریفات گمرکی.

او در ادامه توضیح داد: به نظر می‌رسد این واگذاری در عمل چندان قابلیت اجرا ندارد و بعید است دولت به چنین واگذاری رضایت دهد. احتمال دارد منظور وزیر امور اقتصادی و دارایی از «واگذاری گمرکات» بیشتر ناظر بر بخش‌های اجرایی و عملیاتی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا یا بهره‌برداری از اسکله‌ها و تخصیص محموله باشد، اما اصل ساختار گمرک، از هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود و چنین طرحی نیز تاکنون در کشور مطرح نشده است. فرش‌چیان افزود: البته باید به این نکته اشاره کرد که واگذاری تشریفات گمرکی نیز غیرقابل‌اجرا به نظر می‌رسد، زیرا گمرک از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است و چگونگی می‌تواند کنترل آن را به بخش خصوصی سپرد؟ در نتیجه به‌احتمال زیاد منظور مدنی‌زاده صرفاً عملیات فیزیکی و اجرایی گمرکات بوده است؛ مسائلی مانند تخلیه و بارگیری، جابه‌جایی کالا، انتقال محموله به کشتی و تخلیه از آن. این موارد، در جمله اموری است که در بسیاری از کشورهای جهان به‌طور معمول به بخش خصوصی سپرده می‌شود و امری طبیعی به شمار می‌رود، اما اصل گمرک به‌هیچ‌وجه قابل واگذاری نیست.

او در پایان با اشاره به نمونه مشابه این نوع واگذاری‌ها گفت: طی سال‌های گذشته برون‌سپاری اجرای بخشی از یک فرآیند به بخش خصوصی مشاهده شده است، با اکنون بسیاری از فعالیت‌های بندری توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. این مساله موضوع تازویی نیست و عملیات اجرایی اگر به‌درستی سپرده شود، می‌تواند مفید باشد، چراکه شرکت‌های خصوصی تجربه و توانایی لازم را دارند و می‌توانند امکاناتی ایجاد کنند یا حتی به گمرک اجاره دهند یا خود آنها امور را انجام دهند و گمرک تنها نقش نظارتی داشته باشد. در نهایت نیز باید تأکید کرد که اصل «کار گمرکی» به‌معنای تصمیم‌گیری و تشریفات، امکان واگذاری ندارد.

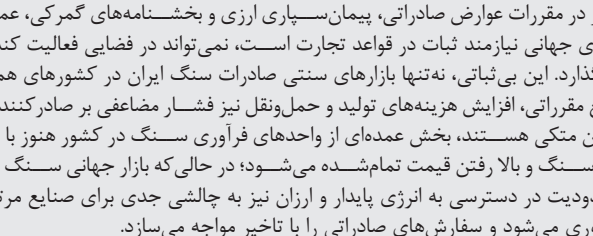
در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد اصل واگذاری بخش‌هایی از گمرک به بخش خصوصی، در ذات خود نه اقدامی نادرست است و نه لزوماً ناکارآمد، اما تجربه نشان می‌دهد که چالش‌های گمرک در ایران بیش از آنکه ناشی از متولی اجرا باشد، ریشه در نارسایی‌های نهادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، ضعف هماهنگی سیاست‌های ارزی و تجاری و اجرای ناقص مقررات دارد. بنابراین اگر قرار باشد بدون اصلاح بنسترهای حکمرانی، نوساز زیرساخت‌های نظارتی، تعیین دقیق حدود مسؤولیت و بازتعریف جایگاه سیاستگذار و مجری، صرفاً تصدی بخشی از امور اجرایی جابه‌جا شود، حاصل چیزی جز بازتولید همان مشکلات پیشین در قالبی تازه نخواهد بود. واگذاری می‌تواند مکمل تغییرات باشد، اما جایگزین آن نیست، به‌ویژه در نهادهی که مساله اصلی آن ترخیص است و نه نتولی.



فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد.

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سپاری ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکننده‌ای که برای حضور در بازارهای جهانی نیازمند ثبات در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضایی فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نه‌تنها بازارهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به پارانه‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌آلات مدرن متکی هستند، بخش عمده‌ای از واحدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌آلات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی‌که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریان به‌دنبال کیفیت بالا با قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به انرژی پایدار و ارزان نیز به چالشی جدی برای صنایع مرتبط با سنگ بدل شده است. قطعی برق و گاز در فصل‌های اوج مصرف، سبب توقف تولید در کارخانه‌های فرآوری می‌شود و سفارش‌های صادراتی را با تأخیر مواجه می‌سازد.



سنگ ایران در حصار سیاست‌های مخمل تولید و تجارت

پاشنه آشیل ارز ترجیحی



گرفت پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰تومانی را متوقف کند. با حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، نرخ ارز در نیمه دوم همان سال با روندی صعودی مواجه شد. در نتیجه، دولت برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت کالاهای اساسی، ارز ترجیحی جدیدی با نرخ ۲۸هزار و ۵۰۰تومان تعیین کرد. هدف از این اقدام، حفظ ثبات قیمتی نسبی در بازار کالاهای ضروری و کاهش فشار تورمی بر اقشار آسیب‌پذیر بود.

با گذشت چند سال از اجرای این سیاست، اکنون شکاف قابل‌توجهی میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد مشاهده می‌شود. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، اختلافی نزدیک به ۸۰ هزار تومان میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد وجود دارد. با افزایش تفاوت قیمت ارز، پیامدهایی که در سال پایانی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی تجربه شد، مجدداً در حال تکرار است و به نظر می‌رسد بار مالی یارانه ارزی بر بودجه دولت بیشتر شده است. به همین دلیل، کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایط فعلی، تعیین نرخ ثابت به عنوان ارز ترجیحی، نمی‌تواند یک سیاست کارآمد باشد. زیرا افزایش شکاف میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ ثابت ارز ترجیحی، مانند یک پاشنه آشیل عمل خواهد کرد و موجب تشدید پیامدهای منفی این سیاست می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در صورت

ادامه تخصیص ارز ترجیحی، نرخ آن به صورت نسبتی از نرخ ارز بازار آزاد یا نرخ ارز تجاری تعیین شود تا فاصله میان این دو نرخ در طول زمان افزایش پیدا نکند.

چرا یارانه‌های ارزی در تحقق اهداف تورمی موفق نبودند؟

تخصیص ارز با نرخی پایین‌تر از قیمت بازار می‌تواند به‌عنوان یک رانت ارزی برای مصرف‌کننده، تولیدکننده یا واسطه‌ها عمل کند. در سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، هدف سیاستگذاران این بود که با کاهش قیمت مواد اولیه، قیمت نهایی کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده ثابت و یا با افزایش قیمت کمتری حفظ شود و از این طریق فشار تورمی بر خانوارها کاهش یابد.

با این حال، بررسی قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سود ناشی از این رانت به مصرف‌کننده نهایی نرسیده و حتی در برخی موارد افزایش قیمت کالاهای مشمول از ترجیحی بیشتر از رشد قیمت عموم کالاهایا بوده است. مطالعات سازمان برنامه و بودجه کشور حاکی از این است که تنها حدود ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده نهایی رسیده و ۷۰درصد باقی‌مانده به واردکنندگان و واسطه‌ها می‌رسد. این وضعیت علاوه بر کاهش اثرگذاری سیاست برای مصرف‌کننده، انگیزه‌ای برای برخی افراد ایجاد کرده تا به دلیل سود حاصل از رانت ارزی، به عنوان واردکننده یا واسطه وارد زنجیره تأمین و تولید کالا شوند. طولانی‌تر شدن این زنجیره، سهم مصرف‌کننده نهایی از مزایای ارز ترجیحی را کاهش داده و باعث ناکارآمدی سیاست شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد که از ابتدای سال جاری حدود ۹میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی و دارو تخصیص یافته است، اما نابرابری تورمی همراه حاکی از افزایش ۶۵ درصدی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به مهرماه سال گذشته است.

در چنین شرایطی، کارشناسان تأکید دارند که ادامه تخصیص ارز ترجیحی، به ویژه با نرخ ثابت، نمی‌تواند در کنترل آثار تورمی بر معیشت مردم موثر باشد. راهکار پیشنهادی آنان شامل کاهش تدریجی دامنه کالاهای مشمول ارز ترجیحی و پرداخت کالابریگ با مبالغ بالاتر و هدفمند به دهک‌های درآمدی ۱ تا ۳ است تا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر افزایش یافته و همزمان از فشار مالی تخصیص ارز ترجیحی بر بودجه دولت کاسته شود.

اعتراض دانشجویان به اینترنت طبقاتی

حقوق شهروندی است. این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌امیز خواهد بود.» شورای صنفی این دانشکده تأکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هرگونه سیاست فردگستسازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستد» و خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز در دسترسی به فضای دیجیتال شده است.شورای صنفی دانشکده صنعتی شریف نیز در نامه‌ای سرگشته به وزیر علوم، اعزام این وزارتخانه را زاشمال نگران‌کننده در مسیر عدالت آموزشی و ارتباطی برابر دانسته است. در این نامه خطاب به وزیر علوم آمده است: «اگر هدف واقعا تسهیل آموزش است، چرا تمام جامعه از این تسهیل بهره‌مند نمی‌شود؟ آیا وزارتخانه‌ای که دامیه عدالت آموزشی دارد، نباید برای دسترسی آزاد دانشجویان به منابع علمی تلاش کند، نه برای محدودسازی آن؟»

در حالی‌که وزارت علوم یوتیوب را برای بیش از ۱۳ دانشگاه کشور قف فیلتر کرده است، دانشجویان دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند. دانشجویان این دو دانشگاه در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه‌ای تأکید کرده‌اند که «دسترسی محدود و گزینشی به اینترنت ارائه نه تنها کمکی به آموزش نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی و نابرابری دیجیتال را در کشور عمیق‌تر می‌سازد. شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دسترسی محدود اقشاری معین، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصاً در جهت طبقاتی‌کردن دسترسی به بدیهی‌ترین

هفته گذشته دانشگاه تهران خطاب به دانشجویانش اعلام کرد که از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه بدون نیاز به فیلترشکن امکان‌پذیر است.

این خبر با انتقادهای زیادی مبنی بر اجرای گام جدیدی از اینترنت طبقاتی و ایجاد ناعدالتی در فضای دیجیتال مواجه شد. پس از این، دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از رفع فیلتر یوتیوب دسترسی به منابع آموزشی روز دنیا است. وزارت ارتباطات هم بار دیگر ه‌گونه مصوبه درباره راهاندازی «اینترنت طبقاتی» یا رفع فیلتر برخی پلتفرم‌ها در دانشگاه‌ها مطرح کرد که تاکنون هیچ تصمیم یا ابلاغیه‌ای در این زمینه صادر نشده است. با این حال اعتراض‌ها نسبت به این تصمیم همچنان ادامه دارد. روز گذشته، دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند.

♥ مهدی روی دور خوشبختی

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکایس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعلور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربهای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیپار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوتل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی، طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پوندسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که خوزه لوئیس مندیلیپار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیپار سرمربی باتجربه اسپانیایی، در ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکیمی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکیمی با سلفق‌ای پرپای در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی هشوار به نظر می‌رسید: درخشش در تیمی که یک ستاره باتیاث در نوک حمله دارد.

اما مندیلیپار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهربرداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست؛ نه تغییر در سیستم تیم، او بدون دست‌زدن به ساختار همگشی ۳-۲-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکیمی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر ا.ک.آ آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کلفی بود تا مندیلیپار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشابه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آماژین گونایی همه چیز است؛ در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۳۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکیمی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت مهمان در مهاجم، نه تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکیمی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود، اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی–مراکشی که درگ مقابله‌ای در زمین دارند. الکیمی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بارساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جاشین الکیمی» بلکه به عنوان مکملی ارزشمند و ستاره‌ای تازه در قلب تپان تیمش می‌شناسند. این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پورتو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

♥ ستارگان کلبا روی نوار ناکامی

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را همزمان در ترکیب اصلی خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. الاتحاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌ای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایشی برتر، میزبان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و ناامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نوراللهی، سامان قدوس و شهریار مثالو امید یازدیی به تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

پیروزی بزرگ را دارد، به شرطی که از همان لحظه اول با تمرکز کامل و برنامه مشخص وارد زمین شود. الوصل بدون ستاره‌های اصلی‌اش آسیب‌پذیرتر از قبل است و استقلال اگر ریتم هجومی‌اش را سریع پیدا کند، می‌تواند برتری را به حریف تحمیل کند.

زمین مناسب، فرصت طلایی برای یک بازی هجومی

استقلال در دیدار جام حذفی مقابل تیمی از لیگ دو به دلیل کیفیت بسیار بد زمین چمن نتوانست نمایش هجومی مورد انتظار را ارائه دهد و بازی به‌دور از استانداردهای فنی دلخواه پیش رفت. اما چمن هموار و استاندارد ورزشگاه شهدای شهر قدس، مسیر را برای نمایش فنی و سرعتی استقلال فراهم می‌کند. چنین زمینی امکان پرس، پاس‌کاری سریع، حملات مکرر از جناحین و خلق موقعیت‌های متعدد را به تیم می‌دهد و این دقیقاً همان چیزی است که استقلال برای یک برد قاطع به آن نیاز دارد.

هواداران؛ نبض بازی و انرژی میدان

در شبی که استقلال به‌دنبال بازسازی روحیه و شست‌وشوی تصویر بازی رفت است، حضور هواداران می‌تواند تعیین‌کننده باشد. تیم با انگیزه وارد میدان می‌شود، اما برای تبدیل این انگیزه به نتیجه، به انرژی بی‌وقفه سسکوها نیاز دارد. اگر حمایت هواداران از دقیقه اول تا آخر ادامه داشته باشد، استقلال می‌تواند یکی از بهترین شب‌های آسیایی خود در سال‌های اخیر را رقم بزند.

کاملاً حیثیتی

بازی امشب شاید سرنوشت صعود استقلال را تعیین نکند، اما مسابقه‌ای حیثیتی است؛ جدالی که می‌تواند شخصیت تیم را احیا کند، هواداران را دوباره امیدوار سازد و مسیری پرانرژی برای ادامه فصل بسازد. استقلال اگر هوشمندانه، با تمرکز و با میل بی‌رحمانه برای جبران وارد زمین شود، می‌تواند شبی رؤیایی را رقم بزند. امشب شبی است برای انتقام، شخصیت‌سازی و بازگشت استقلال؛ نقطه‌ای که آبی‌ها باید از فرصت خالی‌شدن الوصل از مهره‌های کلیدی‌اش بهترین استفاده را بکنند و نشان دهند شکست سنگین بازی رفت یک حادثه بوده، نه واقعیت فنی تیم.

تیم داوری کاملاً کراهی

ترکیب تیم داوری مسابقه استقلال و الوصل امارات مشخص شده و یک گروه کاملاً کراهی وظیفه قضاوت این دیدار حساس را بر عهده خواهد داشت. در رأس این تیم، کیم یی گون به‌عنوان داور وسط حضور دارد؛ داوری باتجربه از فوتبال کره جنوبی که سال‌ها در سطوح آسیایی قضاوت کرده و به مدیریت بازی‌های پر فشار و پر تنش مشهور است. سبک قضاوت او معمولاً بر کنترل جریان بازی با حداقل توقف استوار است و در تصمیم‌گیری‌های مهم کمتر دچار تردید می‌شود.

در کنار او، دو کمک‌داور نیز از کره جنوبی انتخاب شده‌اند. یون ژا ایوول به‌عنوان کمک‌داور اول وظیفه کنترل آفسایدها در سمت چپ زمین را دارد و بارها در رقابت‌های AFC به‌عنوان یکی از کمک‌های دقیق و کم‌اشتباه شناخته شده است. پارک سانگ سون نیز به‌عنوان کمک‌داور دوم در سمت مقابل کار خواهد کرد؛ داوری که حضور منظم در تورنمنت‌های آسیایی او را به یکی از چهره‌های قابل‌اعتماد کنفدراسیون تبدیل کرده است. وظیفه داور چهارم بر عهده کو هیونگ‌جین، دیگر داور مطرح کراهی است که مسئولیت نظارت بر تعویض‌ها، نیمکت‌ها و مدیریت حاشیه‌های کنار زمین را بر عهده دارد. حضور او در کنار تیم داوری اصلی می‌تواند به انسجام و هماهنگی بهتر گروه کمک کند. زیرا کو نیز سال‌ها در سطح اول آسیا فعالیت داشته است. عبدالله مطلق از عربستان سعودی هم به‌عنوان ناظر داوری این بازی انتخاب شده است. او عملکرد داوران را از نظر دقت تصمیم‌ها، مدیریت بازی و اجرای قوانین ارزیابی خواهد کرد. انتخاب این تیم داوری منسجم و باتجربه نشان می‌دهد AFC برای این مسابقه حساس اهمیت ویژه‌ای قائل شده است.

سریال تکراری یک گل‌زن تمام عیار

نگرانی تازه‌ای درباره وضعیت جسمانی داکتر نازون در استقلال مطرح شده است؛ مهاجمی که برخلاف انتظارها هنوز نتوانسته در جمع آبی‌ها بدرخشد. نازون در آخرین بازی ملی هائیتی مقابل نیکاراگوئه ۱۵دبرداری که با صعود تاریخی کشورش به جام جهانی هم‌راه شد!۶۰ دقیقه در میدان بود، اما در جریان همان مسابقه دچار مصدومیت شد و با همین شرایط به تهران بازگشت. تیم پزشکی استقلال بلافاصله بررسی وضعیت این بازیکن را آغاز کرده و معاینات تکمیلی برای تشخیص میزان آسیب‌دیدگی او در حال انجام است. هنوز مشخص نیست نازون توان حضور در بازی امشب را خواهد داشت یا خیر و تصمیم نهایی پس از ارزیابی نهایی پزشکان اعلام می‌شود.

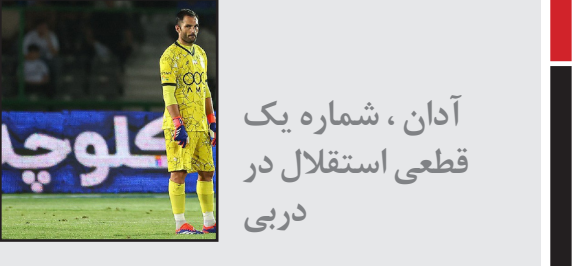


عرفان حمیدی – دیدار امشب استقلال و الوصل در چهارچوب مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا بی‌تردید یکی از خاص‌ترین مسابقات این فصل برای آبی‌های پایتخت است.

دیدار امشب استقلال و الوصل در چهارچوب مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا بی‌تردید یکی از خاص‌ترین مسابقات این فصل برای آبی‌های پایتخت است. هرچند از منظر جدول و شانص صعود، نتیجه این بازی تأثیر مستقیمی بر سرنوشت استقلال ندارد و آبی‌ها برای صعود حتماً باید در هفته پایانی مقابل المحرق بحرین پیروز شوند، اما تقابل با الوصل منایب فراتر از امتیاز و جدول دارد: رویارویی برای انتقام و جبران یک شکست سنگین تاریخی. استقلال در بازی رفت، نمایشی دور از انتظار را ضعیف ارائه داد؛ نمایشی که هیچ‌کس تصورش را نمی‌کرد و نتیجه آن، دریافت ۷ گل تلخ و سنگین از تیم اماراتی بود. شکستی که نه‌تنها هواداران را شوکه کرد، بلکه حیثیت فنی استقلال در آسیا را زیر سؤال برد. حالا امشب، در ورزشگاه شهدای شهر قدس، فرصت جبران فرا رسیده است؛ فرصتی که شاید سرنوشت صعود استقلال را تعیین نکند، اما می‌تواند غرور و اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته را بازگرداند.

الوصل زخمی و کم‌جان‌تر از همیشه

شرایط الوصل نیز به این اهمیت جبران‌خواهی استقلال اضافه می‌کند. تیم اماراتی بدون دو مهره کلیدی خود با به میدان خواهد گذاشت؛ علی صالح، کاپیتان و ستاره سرعتی این تیم که در بازی رفت استقلال را آزار داد، غایب



تاجیکستان جلوی صعود ایران را نگرفت

مرحله نیمه‌نهایی تنها به پیروزی نیاز

داشت. شاگردان وحید شمسایی در حالی مقابل تاجیکستان صف‌آرایی کردند که هر نتیجه‌ای جز برد می‌توانست رؤیای صعود را برای تیم ملی نقش بر آب کند. در سواد میر، پیروزی چهار بر صفر مراکش مقابل افغانستان باعث شد تیم افغانستان از دور رقابت‌ها کنار برود و ایران برای قطعی کردن صعود خود، چهاردهی جز کسب سه امتیاز نداشته باشد. ملی‌پوشان فووتسال ایران از همان دقیقه ابتدایی دیدار در سان «گرین هال» ریاض، نمایش هجومی و برتری خود را به حریف

دیکنه کردند. تیم شمسایی که نمی‌خواست ریسک کند، با برنامه‌ای تهاجمی و پرس شدید از جلو وارد زمین شد و در نیمه نخست موفق شد چهار بار دروازه تاجیکستان را باز کند. محمدحسین درخشانی، حسین طیبی، مهدی کریمی و حسین سبزی، گلزنان ایران در این نیمه بودند تا خیال کادرفنی از بابت صعود تا حد زیادی راحت شود.

در ادامه نیمه نخست، حسین طیبی بار دیگر موفق به گلزنی شد اما داور مسابقه به دلیل خطای هند، این گل را مردود اعلام کرد و به کاپیتان تیم ملی کارت زرد نشان داد. در واپسین دقایق نیمه اول، ادریس بوروف روی یک ضدحمله، تنها گل تاجیکستان را به ثمر رساند تا نیمه نخست با برتری ۴ بر ۱ ایران به پایان برسد.

در نیمه دوم، ایران ضمن حفظ برتری، کنترل کامل توپ و میدان را در اختیار داشت. شمسایی در این نیمه فرصت داد تا بازیکنان جوان‌تر نیز در میدان حاضر و با تجربه بازی‌های بین‌المللی آشنا شوند. سعید احمدعباسی در دو نوبت تا آستانه گلزنی پیش رفت، اما در هر دو موقعیت، دروازه‌بان تاجیکستان با واکنش‌های تماشایی مانع از افزایش اختلاف شد.

در پایان، ایران با این پیروزی ارزشمند ۴ بر ۱، پنج امتیازی شد و پس از مراکش هفت‌امتیازی به عنوان تیم دوم گروه خود راهی مرحله نیمه‌نهایی شد. به این ترتیب، تیم‌های افغانستان و تاجیکستان از دور رقابت‌ها کنار رفتند. بر اساس جدول مسابقات، تیم ملی کشورمان در مرحله نیمه‌نهایی باید به مصاف ازبکستان برود، حریفی قدرتمند و آشنا که در جام ملت‌های آسیا نیز تیم شمسایی را به دردرسر انداخته بود. دیداری که می‌تواند یکی از حساس‌ترین بازی‌های این تورنمنت باشد و محک جدی دیگری برای فووتسال ایران در مسیر بازسازی نسل جدید محسوب شود.

شسایان ذکر است احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، میهمان ویژه این دیدار بود و از نزدیک شاهد برتری ملی‌پوشان کشورمان برابر تاجیکستان بود.

سایپنتو قصد دارد در جام حذفی از ترکیب اصلی خود استفاده کند، اما این تصمیم بیشتر با هدف

حفظ روحیه تیمی و جلوگیری از غافلگیری در برابر حریفان ضعیف اتخاذ شده است، نه به عنوان هدفی جدی برای فتح جام. سایپنتو به‌خوبی می‌داند که در فوتبال ایران، جام حذفی می‌تواند با یک لغزش کوچک از دست برود و به همین دلیل، نگاه بلندمدت او به سمت لیگ برتر متمرکز است؛ لغزش سایپنتو همچنان رقابت‌های لیگ است. سایپنتو قصد دارد در جام حذفی از ترکیب اصلی خود استفاده کند، اما این تصمیم بیشتر با هدف حفظ روحیه تیمی و جلوگیری از غافلگیری در برابر حریفان ضعیف اتخاذ شده است، نه به عنوان هدفی جدی برای فتح جام. سایپنتو به‌خوبی می‌داند که در فوتبال ایران، جام حذفی می‌تواند با یک لغزش کوچک از دست برود و به همین دلیل، نگاه بلندمدت او به سمت لیگ برتر متمرکز است؛

قهرمانی لیگ بر تر ، هدف نهایی سایپنتو

جایی که ثبات، عملکرد مداوم و پیروزی‌های پی در پی در دیدارهای کلیدی تعیین‌کننده قهرمان خواهد بود.جالب است بدانیم که سرمربی استقلال در نشست‌های خود با بازیکنان تأکید کرده که برتری در بازی‌های مستقیم با مدعیان قهرمانی کلید اصلی فتح لیگ است. استقلال فصل را با پیروزی مهم برابر تراکتور تبریز آغاز کرده تیمی که با جذب بازیکنان پرستاره و هزینه‌های سنگین یکی از مدعیان اصلی قهرمانی محسوب می‌شود. این برد روحیه‌ای مضاعف به تیم داد و نشان داد که استقلال در مواجهه با تیم‌های بزرگ، از آمادگی ذهنی و فنی بالایی برخوردار است و در واقع روی همان اصل که سرمربی‌اش تدوین کرده حرکت می‌کند.

در ادامه، استقلال باید در یکی از حساس‌ترین دیدارهای نیم‌فصل نخست خود، در هفته دوازدهم لیگ برتر به مصاف پرسپولیس برود. این دربی می‌تواند به نقطه عطفی در مسیر قهرمانی استقلال تبدیل شود. سایپنتو به خوبی می‌داند که برد در دربی نه تنها سه امتیاز حیاتی دارد بلکه از نظر روانی نیز تیمش را چند پله بالاتر می‌برد و تعادل رقابت قهرمانی را به نفع استقلال تغییر می‌دهد. او به بازیکنانش گوشزد کرده که برتری در دربی به نوعی کلید قهرمانی در فصل جاری نیز خواهد بود. از سوی دیگر، دیدار با سپاهان اصفهان که قرار بود در هفته دهم برگزار شود، به دلیل درگیری

● دلار ۹۳,۴۰۰ ● یورو ۱۰۸,۸۲۰ ● پوند ۱۲۵,۴۸۰ ● درهم ۲۵,۵۵۰ ● لیر ۲,۳۰۰ ● سکه ۸۵,۴۵۰,۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶,۶۱۰,۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶,۷۴۰,۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴,۸۰۰,۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷,۵۹۰,۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰,۱۰۰,۰۰۰ ●

روزنامه **دراقتصاد** www.marzeghtesad.ir چهارشنبه ۰۵ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۰۹ **www.marzeghtesad.ir**

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

چرا بهبود به پایتخت برنگشت؟

نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که

و انسان خشن تبدیل می‌می‌کرد. این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیرا

مهرا‎ن احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»، در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و

درباره غیبتش در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش همکاری با این سریال گفت: «محسن تابنده یکی از آن رسیده است.»



کابوس جدید برای صنعت اروپا

مر تفضی اکبری – برت سوتر، که سکادار یک شرکت تجهیزات پزشکی و رئیس انجمن تولیدکنندگان آلمان است، تصویری بی‌پرده از آینده صنعت اروپا در مصاف با سیل محصولات ارزان قیمت چینی ترسیم می‌کند.

در حوزه ما، آنها قیمت رهبر بازار را نگاه می‌کنند و همان محصول را تقریباً با نصف آن قیمت می‌فروشند. اروپا اصلاً برای چنین ابررقابتی آماده نیست.» براساس گزارش اکونومیست، البته این دغدغه تنها به سوتر محدود نمی‌شود و ریشه این اضطراب، صرفاً قیمت‌های نازل کالا‌های چینی نیست. انجمن ماشین‌سازان آلمان در گزارشی که ماه ژوئن منتشر کرد، با استدلال اینکه چین قواعد بازی منصفانه را رعایت نمی‌کند، از اتحادیه اروپا درخواست کرد تا تدبیری برای ایجاد توازن و برابری در میدان رقابت بیندیشد.

در ماه اکتبر، با تصمیم ناگهانی چین برای محدودسازی صادرات دو شریان حیاتی تولید، نگرانی تولیدکنندگان اروپایی به اوج رسید. یکن ابتدا پنج عنصر نادر حاکی را که نقش کلیدی در ساخت موتور‌ها و قطعات الکترونیکی دارند مشمول مقررات سخت‌گیرانه جدیدی برای صدور مجوز کرد. تنها چند روز بعد، صادرات تراشه‌های شرکت «تکسپریا»، که تأمین‌کننده اصلی بسیاری از خودروسازان و صنایع اروپایی است، ممنوع شد. پیامدهای این اقدام، بی‌درنگ آشکار شد؛ زنگ خطر توقف خطوط تولید در چند شرکت اروپایی به صدا درآمد و برخی بنگاه‌های آلمانی ناگزیر شدند کارگران خود را راهی مرخصی اجباری و بدون حقوق کنند. اکنون بسیاری از تولیدکنندگان قاره سبز به این باور رسیده‌اند که چین، چه با بازی منصفانه و چه با ابزارهای ناعادلانه، کمر به حذف آنها از بازار بسته است. اکنون پرسش اساسی این است که برای پاسداری از صنعت اروپا چه می‌توان کرد، آیا اروپا اراده اجرای آن را دارد؟

از منظر اکونومیست، بلندترین صدای اعتراض از آلمان به گوش می‌رسد؛ کشوری که بزرگ‌ترین صادرکننده و سرمایه‌گذار اروپایی در چین است. برای «میتل‌اشتاند» که بدنه اصلی تولیدکنندگان کوچک و متوسط آلمان را تشکیل می‌دهد، چین در گذشته نه اسباب نگرانی، بلکه منبع درآمد بود. ابزارهای دقیق و مهندسی‌شده این شرکت‌ها به رشد پرسرعت صنعت چین شتاب می‌داد و مصرف‌کنندگان چینی برای خرید خودروهای آلمانی رقابت جدی داشتند.

شرکت‌های آلمانی در چین ریشه دواندند و آنجا را به سکوی صادرات خود به آسیا بدل کرده‌ند؛ تا جایی که در سال ۲۰۱۶ چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری آلمان تبدیل شد. اما به گفته الکساندر رودولف، مدیر شرکت حسگرسازی «سنسوپارت»، ورق برگشته است. او به یاد می‌آورد که در نخستین سفرش به چین در سال ۲۰۱۲، ذوق‌زدگی همکار چینی‌اش از سوار شدن بر فولکس‌واگن شرکت، توجهش را جلب کرد. در آن روزگار، خودروی آلمانی نماد تکنولوژی و شگفتی بود. اما اکنون رودولف که دست‌کم سالی یکبار به چین سفر می‌کند، می‌گوید همان همکار، امروز خودروهای آلمانی را مایه شرمساری و کسر شأن می‌داند و معتقد است تنها جدیدترین مدل‌های چینی ارزش سوار شدن را دارند.

رشد خیره‌کننده سابق در بازار چین، اکنون زیر سایه قدرت‌گیری رقبای داخلی، برای بسیاری از شرکت‌های خارجی کند شده است. هم‌زمان، کسری تجاری آلمان با چین که روزگاری ناچیز بود، اکنون به شکافی عمیق بدل شده است. سال گذشته این کسری با جهشی چشم‌گیر به ۶۶میلیارد یورو (۶۶میلیارد دلار) معادل ۱.۵درصد از تولید ناخالص داخلی آلمان رسید. عامل اصلی این سقوط، کاهش صادرات آلمان و سیل واردات کالا‌های چینی، به‌ویژه در حوزه‌های خودرو، مواد شیمیایی و ماشین‌آلات بود؛ صنایعی که پیش از این قلمرو ی‌رقیب‌بزرگ‌من‌ها محسوب می‌شدند.

اینفو گرافیک

ذهن ما مدام میان نو تیغ‌یکیش‌ها، پیام‌ها و اخبار فوری سرگردان است و نمی‌تواند چند دقیقه پشت سر هم روی یک موضوع بماند. در صورتیکه ذهن انسان برای بمباران اطلاعاتی طراحی نشده است، از این‌رو هر چقدر بتوانیم ذهن و توجه را دوباره در «اکتون» مستقر کنیم، آرامش، کارایی و کیفیت زندگی بهبود می‌یابد.

نشانه‌های بحران تمرکز

- انجام چند کار هم‌زمان با بازده پایین
- کاهش مطالعه مفید و عمیق
- تأثانی در گوش دادن فعال
- خستگی ذهنی مزمن
- بی‌حوصلگی دائمی

راهکارهای ساده برای بازگرداندن تمرکز

- ایجاد فضاهایی برای گفت‌وگو، مطالعه و تجربه بدون شتاب
- کنار گذاشتن گوشی همراه در ساعاتی از روز
- انجام دادن متوالی کارها
- ایجاد خلاقیت



بهترین امید اروپا نه «چلوگیری» از شوک چین، بلکه «گذار» از آن باشد. صنعت تولید، اگرچه صدای بلند سیاسی دارد، اما تنها ۱۶درصد از تولید ناخالص داخلی اروپا را می‌سازد (در برابر ۷۰درصد بخش خدمات). حتی در آلمان این سهم ۲۰درصد است.

است، اما تحویل آنها چنان قطره‌چکانی است که عملاً امکان برنامه‌ریزی را سلب می‌کند. ریشترگ با کنایه‌ای تلخ وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «چین به شرکت‌های اروپایی آن‌قدر می‌دهد که نمیرند اما آن‌قدر هم نمی‌دهد که جان بگیرند.»

فراتر از این‌ها، شرکت‌های اروپایی برای دریافت مجوز صادرات عناصر نادر، ناچار به ارائه جزئیاتی بسیار محرمانه درباره محصولات، زنجیره تأمین و مشتریان خود شده‌اند، اطلاعاتی که در شرایط عادی هرگز داوطلبانه فاش نمی‌کردند. فرانچسکا گیرینتی از اندیشکده «رند اروپا» می‌گوید: «دولت چین اکنون بیش از خود اروپا بر زوایای پنهان زنجیره تأمین شرکت‌های اروپایی اشراف دارد.»میدان نبرد بعدی احتمالاً صنایع شیمیایی و داروسازی خواهد بود. فعالان صنعت شیمیایی هشدار می‌دهند که رقبای چینی با قیمت‌شکنی تهاجمی، قصد حذف آنها را از بازار دارند؛ اتفاقی که نه تنها به نابودی مشاغل می‌انجامد، بلکه پاشنه‌اشیل خطرناکی برای آینده اروپا ایجاد می‌کند. همین سناریو برای مواد اولیه دارویی نیز صادق است. بنا بر آمار بانک مرکزی آلمان، هم‌کنون نزدیک به نیمی از تولیدکنندگان آلمانی به محصولات چینی وابسته هستند.

جعبه‌ایزار اروپا

روی کاغذ، هم دولت‌های ملی و هم کمیسیون اروپا (که سکان‌دار سیاست‌های تجاری است)، زرادخانه‌ای از ابزارها برای حمایت از تولیدکنندگان قاره سبز در اختیار دارند. اتحادیه اروپا به طیف وسیعی از تدابیر «ضد دامپینگ» و نظارت بر سرمایه‌گذاری مجهز است که می‌تواند سدی در برابر واردات چین و نفوذ آن در صنایع استراتژیک باشد. استافن سزورنه، کمیسر صنعت اروپا، حتی از احتمال الزام شرکت‌های چینی به انتقال فناوری در ازای فعالیت در اروپا سخن گفته است؛ همان تاکتیکی که پکن سال‌ها علیه شرکت‌های خارجی به کار می‌برد.

اما «راهکار نهایی» که تاکنون استفاده نشده است، همان «بزار ضد اجبار» است. این مکانیسم به اتحادیه اجازه می‌دهد فراتر از تلافی‌جویی‌های معمول برای عمل کند و حتی صادرات خاصی را به حالت تعلیق درآورد؛ اقدامی که امانوئل مکرون از جمله حامیان بررسی آن است. در بحث کاهش اهرم فشار چین، نگاه‌ها به سمت «تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان» چرخیده است. سزورنه، سیاستمدار فرانسوی، در ماه سپتامبر به ژان‌س امنیت اقتصادی ژاپن سفر کرد تا از تجربه توکیو در قبال اقدام تلافی‌جویانه چین در سال ۲۰۱۰ (هنگامی که صادرات عناصر کمیاب را متوقف کرد) درس بگیرد. هدف او، آموختن درباره روش‌هایی مانند «ذخیره‌سازی استراتژیک مواد معدنی حیاتی» بود. یوهانس فولکنمان، نماینده حزب دموکرات‌مسیحی در پارلمان، هشدار می‌دهد: «باید بسیار هوشیار باشیم. هدف ما، درست مانند ماجرای گاز روسیه، دستیابی سریع به استقلال بیشتر است.»

دستور کار قرار دارد. در سال ۲۰۲۲، اروپا را به جایگزینی شتاب‌زده واداشت، سایه سنگینی بر این تصمیمات افکنده است؛ اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، ماه گذشته با صراحت گفت: «این درس را در حوزه انرژی به بهایی گزاف آموختیم؛ اجازه نخواهیم داد با مواد حیاتی تکرار شود.» در همین راستا، کمیسیون قصد دارد اوایل دسامبر از طرح «RESourceEU» رونمایی کند. هدف این طرح، ایجاد یک «مرکز پایش مواد خام حیاتی» برای رصد آسیب‌پذیری‌های کنونی و آتی صنایع اروپا است. احتمال می‌رود برای سودآور کردن تولید داخلی، برخی مواد مشمول «گف قیمت» شوند و برای برخی دیگر، الزام به نگهداری ذخایر استراتژیک وضع شود. همچنین حمایت مالی دولتی برای فناوری‌های کم‌مصرف (به‌ویژه در باتری‌سازی) و تقویت فرآیند بازیافت در دستور کار قرار دارد.

با این حال، در قلب صنعت آلمان «گسستی عجیب» به چشم می‌خورد. درحالی‌که برخی صنایع خواستار محدودیت واردات هستند، غول‌های خودروسازی و شیمیایی که سرمایه‌های کلانی در چین دارند، در برابر هر اقدامی که خشم اژدهای زرد را برانگیزد، مقاومت می‌کنند. یانکا اورتل از شورای روابط خارجی اروپا این وضعیت را نوعی «جدایی عجیب» توصیف می‌کند. واقعیت این است که بسیاری از خودروسازان آلمانی نه تنها عقب ننشسته‌اند، بلکه سرمایه‌گذاری خود را در چین افزایش داده‌اند. سال گذشته، آلمان به دلیل راهمه از اقدامات تلافی‌جویانه چین، یکی از پنج مخالف اعمال تعرفه بر خودروهای برقی چینی بود (هرچند این تعرفه‌ها در نهایت تصویب شدند). این نگرانی از آن روست که چین با در اختیار داشتن ۶درصد از صادرات آلمان، بزرگ‌ترین مقصد صادراتی این کشور در میان اعضای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.

سیاستمداران آلمانی نیز بر سر دوراهی سرنوشت‌سازی قرار گرفته‌اند. حزب محافظه‌کارمسیحی این نگرانی جدی را دارد که اگر روند «صنعتی‌زدایی» ادامه یابد، سید رای‌های ناراضی به سوی راست‌گرایان افراطی سرازیر شود. از سوی دیگر، مقامات می‌خواهند تولیدات نظامی را «پس‌گردانی» کنند، اما در صنایع پیشرفته‌ای مثل باتری و خودروی برقی، باور دارند که حضور در چین برای حفظ توان رقابت حیاتی است. اکهارد کلوت، مدیر شرکت «ستسو»، این استدلال مهم را دارد: «اگر مجبور نبودیم در بازار چین رقابت کنیم، سرعت نوآوری ما هرگز به این اندازه نمی‌رسید.»

هدف دشوار

در سطح قاره اروپا رسیدن به وحدت، هدفی همچنان دور از دسترس است. تونی رولدان از مرکز سیاست اقتصادی Esade می‌گوید: «در اسپانیا تا زمانی که سرمایه‌های چین سرازیر است، نگرانی چندان از وابستگی احساس نمی‌شود.» کشورهای اروپایی شرقی نیز مواضع ملایم‌تری دارند. برخی استدلال می‌کنند که دقیقاً همین تنش‌ها بر سر تراشه و عناصر کمیاب، دلیل محکمی برای لزوم بهبود روابط با پکن است. اما دیگران به این نقد‌ها پوزخند می‌زنند و معتقدند کشورهایی که اروپا را در دام این وابستگی انداختند حالا خودشان مدعی شده‌اند و خطرات را گوشزد می‌کنند. یک مجارستانی خشمگین می‌گوید: «این شرکت‌های غربی بودند که به طمع سود، فناوری و تولید خود را تقدیم چین کردند.»

براساس آمار گروه «رودوم»، مجارستان در سال ۲۰۲۳ مقصد ۴۴درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های چین در اتحادیه اروپا بود. سال گذشته، ویکتور اوربان و شی جین‌پینگ پیمان «شرکت جامع راهبردی و همه‌جانبه برای عصر جدید» را به امضا رساندند. این پیمان بالاترین سطح همکاری در ساختار دیپلماتی چین محسوب می‌شود. اکنون شرکت «بی‌وادی‌ی»، غول خودروهای برقی چین، در حال احداث کارخانه‌ای ۵میلیارد دلاری در خاک مجارستان است. پرواض است که اوربان حاضر نیست این خوان گسترده را صرفاً برای حمایت از تولیدکنندگان آلمانی به خطر بیندازد.

عکس نوشت



کارتون



منسخه ایرانی تئاترهای معروف لندن

نمایش موزیکال «الیسور نویست» به

کارگردانی حسین پارسایی میزبان بیش از ۷۰هزار مخاطب شد تا یک بار دیگر این نکته به اثبات برسد که مردم حتی در شرایط سخت اقتصادی هم حاضرند به تماشای یک اثر موفق بنشینند. اجرای چندبازه این نمایش در ایران یادآور اجراهای تاریخی چند نمایش مشهور در دنیاست.

«تله‌موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی که به‌عنوان پراجارترین نمایش‌نامه جهان شناخته می‌شود، بیش از ۷۰ سال است که هر شب در لندن روی صحنه می‌رود و از آن به عنوان یکی از جاذبه‌های مهم لندن نام می‌برند و گردشگران سعی می‌کنند تا آنجا که مقدور است تماشای آن را از دست ندهند. «تله‌موش» اولین بار سالان ۱۹۵۲ در وست‌اند لندن روی صحنه رفت و تا زمانی که کووید تئاترها را به تعطیلی کشاند، بی‌وقفه در حال اجرا بود و بعد از دوران کرونا دوباره اجراهایش را شروع کرد.

نمایش موزیکال «بینوایان» نوشته ویکتور هوگو هم از آن دسته کارهایی است که چند دهه است در حال اجراست و همچنان مخاطبان زیادی را جذب می‌کند. این نمایش قرار است چندمین سال اجرایش در «وست‌اند» را در روزهای آینده جشن بگیرد.

همچنین نمایش موزیکال «شیخ ایر» سال ۱۹۸۶در وست‌اند روی صحنه رفت و در سال ۱۹۸۸ در تئاتر برادوی در اجرا درآمد و رکورد طولانی‌ترین زمان روی صحنه بودن در برادوی را به خود اختصاص داده است.

حالا بعد از سال‌ها به نظر می‌رسد در ایران هم اتفاقات فرهنگی مهمی افتاده که می‌تواند چنین وضعیتی را در تئاتر به وجود بیاورد و مثلاً شهرهای گردشگرپذیر هم هویت فرهنگی خاص پیدا کنند. هرچند این مساله به سازوکار تبلیغ قبیل توجه نیاز دارد اما امکان وقوع آن در دور از تصور نیست. در سال‌های اخیر با توسعه سالن‌های خصوصی در ایران تئاتر دوران جدیدی را آغاز کرد و روزانه آثار زیادی در تهران و سایر شهرستان‌ها روی صحنه می‌روند که در این میان برخی با اقبال روبه‌رو می‌شوند و برخی نیز در گیشه شکست می‌خورند.

در این وضعیت برخی نمایش‌ها در سالن‌های مختلف اجرا شده‌اند و هر بار هم توانسته‌اند در جذب مخاطب موفق عمل کنند. «ایور نویست» یکی از همان‌هاست و شاید بتوان از آن به عنوان نسخه ایرانی نمایش‌هایی همچون «شیخ ایر» و «بینوایان» یاد کرد.

رمان مطرح چارلز دیکنز از زمان نگارش تاکنون بارها و بارها مرجع اقتباس آثار نمایشی بوده است. از زمانی که سینما وجود خارجی نداشت در نمایش‌ها همیشه پای ثابت قصه‌های محبوب بود تا بعدتر که سینما آمد و در این مدیوم هم بارها ساخته‌شد و مورد اقبال تماشاگران قرار گرفت. اتفاق جالب، اما زمانی رخ داد که دوازده سال پس از «ایور نویست» مشهور به کارگردانی دیوید لین، آنگستاز شیر انگلیسی که دستی بر قلم داشت تصمیم گرفت نسخه موزیکالی از اثر جوادنه دیکنز آماده کند و به این ترتیب لیونل بارت در سال ۱۹۶۰نسخه موزیکال «ایور نویست» را ارائه داد و نام آن را «ایور» گذاشت. هشت سال پس از انتشار این اثر کارل رولد بر اساس همین نسخه و با همین نام فیلمی موزیکال ساختن که در اسکانز آن سال هم مورد توجه قرار گرفت.

حسین پارسایی برای اولین تجربه موزیکالش در تئاتر همین فیلم «ایور» را منبع قرار داد و به این ترتیب برگردان موزیکال بارت از شاهکار دیکنز با بازی ستاره‌ها را با تمرین‌های طولانی در سال ۱۳۹۶روی سن تالار وحدت برد که با اقبال گسترده روبه‌رو شد و سپس چند بار دیگر هم در این سال‌ها به اجرا درآمد.

حالا این نمایش با بازتولید کامل و بازطراحی نوین بخش‌های مختلف و درآماتوری محمدرضا کوهستانی روی صحنه رفته و هزاران مخاطب را ظرف چند روز برای تماشا راهی باشگاه انقلاب کرده است. گروه تولید و کارگردانی این اثر اعلام کرده‌اند این نسخه درحالی‌که وفادار به متن اصلی و ساختار نمایشی سال ۱۲۹۶ باقی ماند، ولی در نمایش‌نامه و چند ترانه با تأکید بر دغدغه‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و واقعیت‌های تلخ زندگی انسان تغییرات جزئی داشته و از نظر طراحی‌های هنری تفاوت‌های چشم‌گیری با اجرای پیشین دارد.

براساس گزارش‌ها این نمایش در هفته‌های اخیر روزانه میزبان حدود ۶هزار مخاطب است و به دلیل استقبال مخاطبان برای روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ تمدید هم شده است. آنچه در این نمایش مورد استقبال قرار گرفته بداهه‌گویی‌های هونن شبکیا در نقش شخصیت «فاکین» است و انتشار بخشی از این ویدئوها در فضای مجازی موج بزرگی را انداخته است. این بازیگر در بخش‌هایی از نمایش با تذکر ممنوع بودن تصویربرداری از نمایش، به صورتی طنزآمیز با برخی تماشاگران معاشرت‌هایی دارد که به شکلی عجیب، در فضای مجازی پربیننده شده است.

هونن شبکیا، بهنوش طباطبایی، بابینال شومون، امیرکاوه آهنین‌جان، با حضور سیامک انصاری و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند.

مراسم رونمایی

از گزارش سالانه

نفذ حقوق بشر در

آمریکا و انگلیس